

تلاش راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای حذف داعش از معادلات عراق و سوریه

حمید درج* - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان
کاظم نورانی بنام - کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، مرکز تهران غرب

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

چکیده

تحولات سیاسی که از سال ۲۰۱۱ میلادی در کشورهای عربی به وقوع پیوست نه تنها به استقرار حکومت‌های دموکراتیک در منطقه ختم نشد، بلکه به پیدایش و گسترش داعش منجر گردید. این گروه تروریستی از شمال افریقا تا غرب آسیا در کشورهای منطقه پدیدار گشت و دست به اقدامات تروریستی زد. با توجه به اینکه سوریه و عراق در کانون این بحران تروریستی قرار گرفتند، تهدید داعش بیش از پیش برای جمهوری اسلامی نمایان گشت. بنابراین، ایران با اتخاذ تدابیر و خط‌مشی‌های سیاسی و نظامی در تلاش برای دفع این تهدیدات برآمد تا از این طریق از فروپاشی حلقه‌های مقاومت در منطقه ممانعت به عمل آورد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که جمهوری اسلامی ایران برای حذف داعش از معادلات عراق و سوریه به چه اقداماتی دست زده است؟ فرضیه قابل طرح این است که از آنجا که حضور و قدرت‌یابی داعش در عراق و سوریه تهدیدی وجودی برای ژئوپلیتیک تشیع و از طرفی محاصره فیزیکی ایران قلمداد می‌شود، جمهوری اسلامی، به‌عنوان بازیگر کلیدی محور مقاومت و با هدف جلوگیری از تضعیف و فروپاشی حلقه‌های زنجیره مقاومت در منطقه، در تلاش برای شکست و نابودی این گروه تروریستی برآمد و از شکل‌گیری نظم و الگوی منطقه‌ای در راستای اهداف و منافع رقبای خود در غرب آسیا ممانعت ورزید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد منافع ملی، به‌خصوص منافع امنیتی ایران، اتخاذ سیاست دفاع فعال این کشور در قبال حضور و فعالیت داعش در عراق و سوریه را ایجاب می‌کند و در این راستا به حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی خود مبادرت می‌ورزد.

کلیدواژه‌ها: ایران، داعش، رئالیسم تدافعی، سوریه، عراق.

مقدمه

داعش، به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور، در مدت زمان اندکی توانست کشورهای منطقه و جهان را تحت تأثیر عملکرد خود قرار دهد و در قامت یک بازیگر بسیار مخرب به‌سرعت بخش زیادی از خاک دو کشور عراق و سوریه را تصرف کند و حکومت مبتنی بر خلافت اسلامی تشکیل دهد. همین امر باعث شد افراد زیادی از سراسر جهان به داعش بپیوندند و داعشی قدرتمند و بانفوذ در جهان اسلام مطرح شود؛ به‌گونه‌ای که این گروه هم‌زمان با دو کشور به صورت مستقیم و چند کشور به صورت غیرمستقیم می‌جنگید. قدرت گرفتن داعش در سوریه و عراق هم‌زمان نتیجه چالش‌های مختلف درونی و گسترش رقابت‌ها و حمایت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از داعش است. اقدامات این گروه سلفی-تکفیری، ضمن تهدید امنیتی و تمامیت ارضی عراق و سوریه، تهدیدی مستقیم برای امنیت کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه کشورهای محور مقاومت، در منطقه به‌شمار می‌رود. از آنجا که ایران یکی از کشورهای خاورمیانه و رهبر محور مقاومت در منطقه به‌شمار می‌آید، بی‌تردید وجود داعش در سوریه و عراق، علاوه بر تأثیرات و پیامدهایی بر ساختار داخلی و امنیت این کشورها، تهدیدی عینی برای امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شود. بنابراین، ایران در هم‌پیمانی با دولت‌های عراق و سوریه و نیز با کمک مؤثر حزب‌الله لبنان و روسیه در صدد ضربه‌زدن به داعش و نابودکردن آن برآمد و از این طریق مانع تغییر روندهای جاری سیاسی-امنیتی در منطقه توسط قدرت‌های رقیب همانند عربستان و ترکیه به ضرر منافع خود شد. یکی از اهداف و استراتژی‌های داعش در غرب آسیا از زمان شکل‌گیری آن تهدید عمق راهبردی ایران و تلاش برای تضعیف محور مقاومت بوده است، زیرا بعد از سرنگونی صدام در عراق و با جنگ موفق حزب‌الله در لبنان در سال ۲۰۰۶، بر عمق و وزن راهبردی ایران افزوده شد و حتی ناآرامی‌های سوریه نیز معلول معادلات و مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی است و هزینه‌ای برای ائتلاف سوریه با ایران و حمایت از جریان مقاومت است. در این راستا، با توجه به ابعاد بالای اثرگذاری بحران داعش، سیاست خارجی ایران نیز در ابعاد ملی، منطقه‌ای، و بین‌الملل دچار تأثیر شد. بنابراین، متأثر از ظهور داعش در منطقه، ایران در تلاش است تا نقش خود را به‌عنوان یکی از بازیگران محور مقاومت در منطقه خاورمیانه و در نظام بین‌الملل کنونی معرفی کند. بنابراین، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که جمهوری اسلامی ایران برای حذف داعش از معادلات عراق و سوریه به چه اقداماتی دست زده است؟ در هر حال، بحران و ظهور داعش در عراق و سوریه- که از پُراهمیت‌ترین چالش‌ها در عرصه سیاست خارجی کشورهای منطقه است- تأثیرات مختلفی نیز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر جای گذاشته است. در این شرایط احتمال گسترش ناامنی حاکم بر عراق و سوریه به سمت ایران به‌دلیل قرارگرفتن این دو کشور در حلقه امنیتی فوری و غیرفوری ایران وجود دارد. این مهم با توجه به نگرش‌های منفی گروه‌های تکفیری در عراق و سوریه- که شیعه را مهدورالدم و نظام جمهوری اسلامی را مُشْرک تلقی می‌کنند- نیازمند بررسی عمیق و موشکافانه است که باید به‌جد مورد توجه قرار گیرد.

ادبیات و پیشینه پژوهش

پیرامون موضوع پیدایش گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق و نقش ایران در نابودی این گروه تروریستی، پژوهش‌ها و تحقیقات بی‌شمار و ارزشمندی در مجلات و فصل‌نامه‌های تخصصی انجام گرفته که به مقتضای مباحث به برخی از آن‌ها در این پژوهش استناد شده است؛ در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

آدمی و نیکنام (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با نام «تأثیر تهدیدهای گروه‌های سلفی- تکفیری بر امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران»، به تجزیه و تحلیل تهدید داعش برای ایران به لحاظ هستی‌شناختی پرداخته‌اند. نویسندگان معتقدند هم‌زمان با پیدایش گروه‌های سلفی- تکفیری در کشورهای عراق و سوریه، که بخش مهمی از محور مقاومت

محسوب می‌شوند و از اهمیت ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران برخوردارند، در تهران نیز نگرانی از گسترش آن‌ها افزایش یافت و در این راستا درصدد مقابله با آن‌ها برآمد.

رضایی و موسوی جشنی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با نام «ظهور داعش و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های به‌وجودآمده برای ایران»، به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که شناخت چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از ظهور داعش در عراق و سوریه از بُعد استراتژیک برای سیاست‌گذاران و مسئولان جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت فراوانی است و بی‌توجهی به‌موقع آن‌ها به این موضوع معادلات سیاسی و امنیتی منطقه را، برخلاف منافع ملی ایران و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آن، تغییر خواهد داد.

خسروی و زارعی (۱۳۹۸)، در مقاله «جایگاه داعش در امنیتی‌شدن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس در خاورمیانه»، بر آن‌اند که با آغاز موج جدیدی از بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و پس از ظهور داعش سه کشور عربستان سعودی، امارات متحده عربی، و بحرین بیشترین واردکننده سلاح‌های نظامی از کشورهای غربی بوده‌اند که این مسئله حاکی از امنیتی‌شدن فضای منطقه و گسترش فعالیت‌های تروریستی در منطقه بوده است. نویسندگان نیز یادآور می‌شوند که سیاست خارجی ایران، به‌عنوان قدرت شیعی در منطقه، گرایش‌های امنیتی جدیدی در خود ایجاد کرده است که بررسی و تحلیل تأثیرگذاری متغیر داعش بر این تحولات حائز اهمیت فراوانی است. سنایی و کلویان‌پور (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با نام «ظهور داعش و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، موضوع تأثیر داعش بر اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مندرج در قانون اساسی، را تجزیه و تحلیل کرده و در این راستا عمدتاً بر تأثیرات هویتی داعش بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی با استفاده از نظریه سازه‌انگاری پرداخته‌اند، اما به تهدیدات نظامی، سیاسی، و اقتصادی داعش علیه ایران اشاره‌ای نکرده‌اند.

میریوسفی اول (۱۳۹۵) در «تناقضات راهبردی ضد داعش ایالات متحده آمریکا و موضوع همکاری با ایران» با استفاده از چارچوب نظری سیاست بوروکراتیک گراهام آلیسون به بررسی و ارزیابی ساختار سیاست‌گذاری دولت آمریکا در دوره اوباما در قبال داعش و تناقضات موجود در آن اشاره کرده است. نویسنده در پی اثبات این فرضیه است که دولت آمریکا با بی‌میلی و عمدتاً به‌منظور پاسخ‌دادن به فشارهای داخلی و با واسطه لابی‌های کشورهای متحد خود، با همکاری بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مخالف داعش، ائتلافی نمایشی برای شکست و نابودی این گروه تروریستی اعلام کرد؛ ولی در عمل اراده سیاسی چندانی برای تحمل هزینه‌های انسانی و مادی نداشته است. نوآوری پژوهش حاضر در این است که اگرچه مطالعات و پژوهش‌های بسیار زیادی درباره گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق انجام گرفته است که در این تحقیقات موضوع مورد پژوهش بیشتر از بُعد ایدئولوژیک تبیین شده است، در پژوهش حاضر سعی شده است این موضوع تبیین شود که بر اساس رهیافت رئالیسم تدافعی، منافع ملی به‌خصوص منافع امنیتی جمهوری اسلامی اتخاذ رویکرد دفاعی فعال در قبال ظهور و قدرت‌یابی داعش در طی بحران سوریه و عراق را ضرورت می‌بخشد که چنین سیاستی برای ایران سیاستی عقلانی به‌شمار می‌آید.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر نوع هدف کاربردی و روش آن از نوع کیفی است. در این تحقیق به توصیف، مطالعه، و تحلیل آنچه هست نیز پرداخته می‌شود. بنابراین، این تحقیق از لحاظ روش اجرا از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز برای این تحقیق نیز از طریق منابع کتابخانه‌ای، اسناد، و مراجعه به سایت‌ها و منابع اینترنتی و ... و فصل‌نامه‌ها و مجلات تخصصی جمع‌آوری و مورد استفاده قرار گرفته است.

مبانی و چارچوب نظری

رئالیسم تدافعی

نظریه واقع‌گرایی تدافعی^۱ برخلاف واقع‌گرایی کلاسیک بر این باور است که نظام بین‌الملل آنارشیک فقط در شرایط خاص انگیزه‌های توسعه‌طلبی را برای دولت‌ها فراهم می‌آورد. معمای امنیتی ناشی از این نظام موجب شده است دولت‌ها نسبت به نیات آینده یکدیگر و قدرت نسبی آن‌ها با احتیاط رفتار کنند (تالیافرو، ۲۰۰۱: ۴). واقع‌گرایی تدافعی به رابطه میان آنارشی و ملزومات نظام بین‌الملل از یک سو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارد، اما این رابطه را پیچیده‌تر می‌بیند. تنها در شرایطی که از جانب کشورهای دیگر احساس تهدید کنند از خود واکنش نشان می‌دهند و واکنش آنان معمولاً در سطح موازنه و بازداشتن کشور تهدیدکننده است. آنان هیچ برنامه‌ای برای توسعه‌طلبی ندارند و بر آن اند که توسعه‌طلبی همیشه منجر به امنیت نمی‌شود (قاسمی علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۰). یکی از مفروضات بنیادین نظریه واقع‌گرایی تدافعی نقش تعدیل‌کننده‌های ساختاری از قبیل موازنه تهاجمی - دفاعی، همجواری جغرافیایی، و دسترسی به مواد خام و مهم‌تر از همه سیاست داخلی در محدودسازی اثربخشی واکنش دولت‌ها به محیط بین‌المللی است (تالیافرو، ۲۰۰۱: ۱۳۲). در رئالیسم تدافعی دولت‌ها می‌توانند از طریق ایجاد موازنه قدرت از عهده عمده تهدیدهای خارجی برآیند. فقط در شرایط ترسناک یا از طریق دولت‌های شرور غیرعقلانی است که در محیط بین‌المللی خشونت ایجاد شود. بر این اساس، از منظر رئالیسم تدافعی، سیاست خارجی دولت‌ها از واکنش‌های مسالمت‌آمیز به عوامل سیستمی تشکیل می‌شود (رژ، ۱۹۹۸: ۱۵۳). بنابراین، امنیت در نگاه تدافعی‌ها برابر است با برخورداری از قدرت کافی برای ایجاد موازنه. تا زمانی که موازنه برقرار است امنیت نیز وجود دارد. اگر کشوری قصد برهم‌زدن امنیت و موازنه را داشته باشد، کشورها باید برای کسب امنیت به افزایش قدرت و دستیابی به موازنه جدید اقدام کنند (کرشنر، ۲۰۱۰: ۴). در این چارچوب باید گفت ظهور داعش در عراق و سوریه، که در پرتو نابسامانی‌های ساختاری و تنوع قومی - مذهبی شکل گرفت، تبعات مختلفی در خاورمیانه و سپس در اغلب نقاط دنیا به همراه داشت. کشورهای گوناگونی با پدیده داعش درگیر شدند و به‌ناچار در مقابل آن به تدابیر مختلفی دست زدند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به‌طور مستقیم با داعش در تقابل قرار گرفت، زیرا داعش، علاوه بر تضعیف دولت‌های شیعی سوریه و عراق، تهدیدی امنیتی و ایدئولوژیکی نیز برای ایران به‌شمار می‌رود. از این رو، جمهوری اسلامی ایران با هدف مقابله و نبرد با داعش و در راستای حفظ و تضمین امنیت و تمامیت ارضی خود به ارائه راهکارهای دیپلماتیک و نظامی مبادرت ورزید و با ایجاد ائتلاف مقاومت و با کمک روسیه در تلاش برای نابودی این گروه تروریستی برآمد و از این طریق از سرریز شدن ناامنی‌ها و بی‌ثباتی در مرزهای غربی خود ممانعت ورزید. بنابراین، حضور جدی جمهوری اسلامی در سوریه و عراق نه‌تنها با هدف بالابردن ضریب امنیت ملی ایران در برابر تهدیدات خارجی انجام می‌گیرد، بلکه جایگاه قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی را به نحو فزاینده‌ای ارتقا می‌بخشد.

قلمروی مورد مطالعه

سوریه

جمهوری عربی سوریه با مساحتی حدود ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع هفتادوهفتمین کشور جهان از نظر وسعت محسوب می‌شود. سوریه در منطقه آسیای غربی واقع شده و از دیرباز مرکز بازرگانی میان شرق و غرب شناخته می‌شود. موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه این کشور را در نقطه اتصال خاورمیانه نفت‌خیز با اروپای صنعتی قرار داده است (شجاعیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۰۸). همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه، و عراق نیز به‌وضوح اهمیت ژئوپلیتیکی و نقش راهبردی این

کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌کند. به دلیل همین اهمیت و نقش استراتژیک، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل، سوریه را «بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» می‌نامند (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۸-۱۲۹). سوریه کشوری بسیار مهم از لحاظ جغرافیایی و استراتژیک است. از نظر موقعیت جغرافیایی، سرپل سه قاره آفریقا، اروپا، و آسیا محسوب می‌شود. ۱۸۰ کیلومتر مرز آبی با مدیترانه باعث شده تا دسترسی به اروپا و شمال آفریقا برای این کشور به‌آسانی فراهم شود. از حیث جغرافیای سیاسی نیز ۷۰ کیلومتر مرز مشترک با رژیم صهیونیستی و ۳۵۰ کیلومتر مرز مشترک با لبنان باعث شده تا این کشور موقعیت ممتازی در این منطقه داشته باشد (اسماعیل‌پور روشن، ۱۳۹۶: ۲۳۲). سوریه بازیگر ژئوپلیتیک‌محور است که از طریق خط لوله نفت در بندر بانیا س بخشی از نیازهای نفتی کشورهای حاشیه مدیترانه را تأمین می‌کند و از این راه در معادلات منطقه نقش دارد. مسیر سوریه وابستگی عراق و ایران را برای صادرات نفت و گاز به خلیج فارس، کانال سوئز، و حتی ترکیه تقلیل می‌دهد. طرطوس و بایانس می‌توانند بنادر مهمی برای صادرات نفت و گاز عراق و ایران به اروپا باشند (التیامی‌نیا، ۱۳۹۲: ۶۸).

از لحاظ ژئوپلیتیک، سوریه عمق راهبردی ایران در غرب تا سواحل دریای مدیترانه محسوب می‌شود. بنابراین، مرزهای لبنان و سوریه خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود. از این منظر، ایران با کشورهای سوریه و لبنان و مجموعه‌های حزب‌الله، جهاد اسلامی، و حماس یک جبهه ضد صهیونیستی تشکیل داده که در این اتحاد سوریه نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۳۵). سوریه کشوری با جمعیتی بالغ بر حدود ۲۲ میلیون نفر است که سالیانه ۳ درصد رشد دارد. در حدود ۷۴ درصد جمعیت سوریه سنی‌مذهب‌اند. طیف دیگری از مسلمانان این کشور را علوی‌ها، شیعیان دوازده‌امامی، و اسماعیلیان با مجموع ۱۳ درصد تشکیل می‌دهند. ۱۰ درصد جمعیت سوریه نیز مسیحی‌اند و ۳ درصد بقیه جمعیت شامل دروزیان و یزیدیان می‌شود. مسلمانان شیعه بیشتر در شهرهای دمشق، حلب، و روستاهای اطراف حمص ساکن‌اند. ۸۹٫۳ مردم سوریه عرب‌اند و بزرگ‌ترین اقلیت‌های قومی در این کشور را کردها با رقمی حدود ۶ درصد جمعیت تشکیل می‌دهند (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۳۳).

بر اساس تقسیم‌بندی بلیدس، رژیم سیاسی سوریه در دوران حافظ و بشار اسد، مانند رژیم بن‌علی در تونس، در زمره رژیم‌های تک‌حزبی همراه با رقابت محدود می‌گنجد. رژیم‌های تک‌حزبی همراه با رقابت انتخاباتی محدود به مراتب بسته‌تر از نظام‌های مبتنی بر هژمونی حزب حاکم همراه با رقابت انتخاباتی عمل می‌کنند (بلیدس، ۲۰۱۰: ۲۲۳). در سوریه عملاً قدرت اصلی کشور در دست حزب بعث بوده که رهبری جبهه ملی ترقی‌خواه را در این کشور در دست دارد. بر اساس قانون اساسی سوریه، نظام حزبی (تعداد احزاب) در چارچوب جبهه ملی ترقی‌خواه به رسمیت شناخته شده است. البته، احزاب فوق به‌جز حزب بعث پایگاه اجتماعی چندانی نداشته و روال سیاسی سوریه به این شکل بوده که احزاب کاندیداهای خود را برای نمایندگی مجلس یا وزارت به رئیس‌جمهور، که رئیس جبهه ترقی‌خواه ملی نیز هست، معرفی می‌کردند و این رئیس‌جمهور بود که تصمیم نهایی را اتخاذ می‌کرد (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۳۶-۱۳۷).

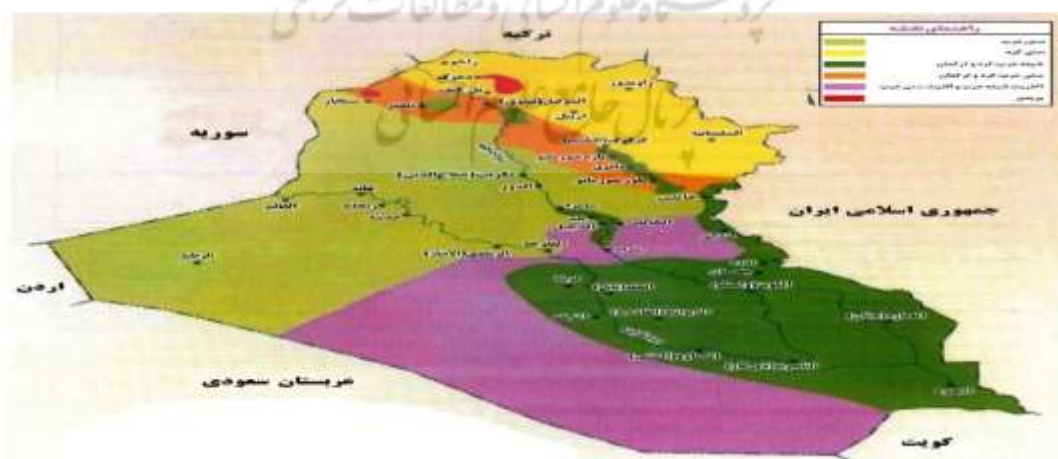


نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی کشور سوریه

اسماعیل پور روشن، ۱۳۹۶: ۲۳۲

عراق

کشور عراق از جمله کشورهای تأسیسی خاورمیانه و منطقه خلیج فارس است که در سال ۱۹۲۰ میلادی و پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی در نتیجه سیاست‌های استعماری انگلستان به وجود آمد (رستمی و سفیدی، ۱۳۹۵: ۸۷). جمعیت عراق، بر اساس آخرین سرشماری در سال ۲۰۱۱ میلادی، ۳۳,۳ میلیون نفر بوده است (عبدی و شیرزاد، ۱۳۹۵: ۶۶). بیشتر جمعیت عراق از سه گروه عمده قومی و مذهبی شیعیان، اعراب سُنی، و کُردها تشکیل شده است که هیچ یک از این سه گروه نقش مؤثری در تأسیس این کشور نداشتند. جغرافیای عراق از نگاه مذهبی به دو منطقه تقسیم می‌شود: الف) نیمه جنوبی عراق، یعنی از بغداد به طرف جنوب که در آن اعراب شیعه متمرکزند؛ ب) نیمه شمالی عراق که اعراب سُنی در بخش‌های غربی آن و کُردهای سُنی در بخش‌های شرقی آن قرار دارند (رستمی و سفیدی، ۱۳۹۵: ۸۷). بافت اجتماعی عراق موزائیکی از قومیت‌ها، مذاهب، و فرهنگ‌هاست که اقتضانات خود را بر رفتار سیاسی، سیاست خارجی، و اقتصاد عراق تحمیل کرده است. تنوع قومی سبب بروز ناامنی‌های بسیار در عراق شده و زمینه دخالت نیروهای همسایه در امور داخلی عراق را فراهم کرده است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۵).



نقشه ۲. پراکندگی گروه‌های قومی-مذهبی در عراق

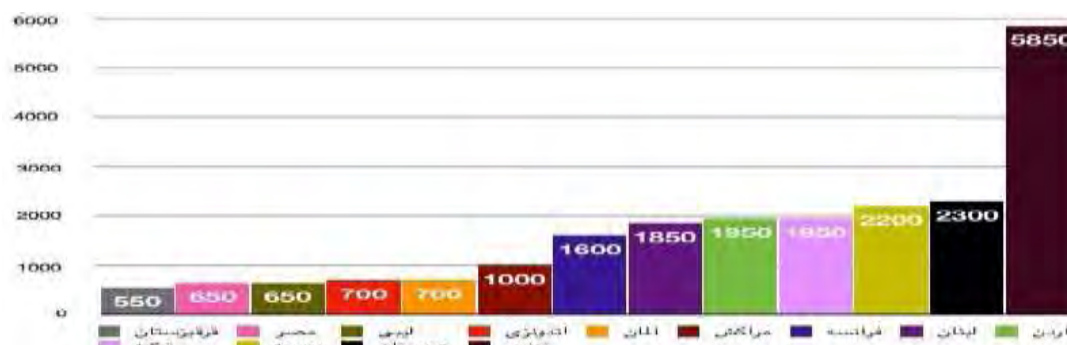
صادقی اول و حسینی اصل، ۱۳۹۸: ۹۳

بهره‌گیری از فضای جغرافیایی یک‌پارچه و داشتن سرزمین به موازات همبستگی قومی در فضای سیاسی ناهمگون عراق، حضور در رأس حاکمیت و مسند ریاست جمهوری، توانایی بازی دوسویه در معادلات سیاسی داخلی و خارجی، و حضور در بغداد به‌عنوان کانون سیاسی عراق برای اقلیم کردستان نقش پُررنگی رقم زده است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۳). از سوی دیگر، عراق پیونددهنده ملت‌های عرب و غیر عرب بوده و در نتیجه تحقق این پیوند، که همانند صدر اسلام ممکن است پیوند عمیقی باشد و منافع غرب را در منطقه تهدید نماید، برای غرب اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه و از جمله عراق افزون‌تر می‌شود. بنابراین، موقعیت جغرافیایی-ژئوپلیتیکی، منابع و ذخایر نفت و گاز، افتراقات قومی، جمعیتی، و مذهبی از عوامل مهم و تأثیرگذار در ژئوپلیتیک عراق است و پس از تهاجم نظامی امریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ این کشور شاهد تغییر و تحولات عمیقی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، و ژئوپلیتیکی شد؛ به‌طوری‌که پس از اشغال نیز عوامل ژئوپلیتیکی در این کشور به‌گونه‌ای جدید منطقه خاورمیانه و همسایگان عراق را از نقش جدید خود متأثر ساخت (عبدی و شیرزاد، ۱۳۹۵: ۶۵-۶۶).

قدرت‌یابی داعش در سوریه و عراق: بسترها و زمینه‌ها

تروریسم هرچند از ابتدای هزاره سوم، به‌طور ویژه، در دستور کار امنیتی کشورها قرار گرفته است، شکل اخیر تکفیری آن در خاورمیانه، در پی خیزش‌های ۲۰۱۱ میلادی در جهان عرب، از لایه‌های پنهانی سر برآورده که در واقع در قالب یک تهدید جدی امنیتی و در ظاهری به‌مراتب خشن‌تر ظاهر شده است. وجود شکاف‌های عمیق قومی-مذهبی در خاورمیانه و ژرف‌تر شدن این شکاف‌ها به‌واسطه جنگ قدرت‌ها و خلأ امنیتی ایجادشده منطقه خاورمیانه را به پناهگاه امن گروه‌های افراطی همچون داعش تبدیل کرده است (مبینی‌کشه و آجیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۰). از این رو، طی بحران سوریه که از سال ۲۰۱۱ و همچنین بحران عراق که از سال ۲۰۱۴ شروع شد، شاید بیشترین نامی که از رسانه‌های جهانی دیده و شنیده شد داعش و اخبار مربوط به آن بود؛ گروهی ایدئولوژیک که بر پایه خشونت و مبانی اصلی وهابیت جرقه آن در سال ۲۰۰۳ زده شد. هرچند که می‌توان ادعا کرد بنیان فکری آن‌ها به آرای ابن‌تیمیه، که عقایدش هم در وهابیت نمود پیدا کرد، بازمی‌گردد، مشابهت بسیاری با فتاوی ابن‌تیمیه و اقدامات آل‌سعود دارد. ریشه آن را نیز می‌توان به القاعده عراق نسبت داد که توسط شهروند افراطی اردنی به نام ابومصعب الزرقاوی تأسیس شد (هنری لایارد، ۲۰۱۴: ۱۱). البته، این امر بعد از بیعت الزرقاوی با اسامه بن لادن صورت گرفت که طی آن الزرقاوی گروهی را با نام «جماعت توحید و جهاد» تشکیل داد و سازمان‌دهی کرد. البته، بعد از بیعت، این گروه تغییر نامی را هم تجربه کرد که به شبکه القاعده در کشور رافدین «عراق» موسوم شد که خیلی زود به دلیل مبارزات ضدامریکایی افراد زیادی از داخل عراق به این شبکه جذب شدند. بعد از کشته شدن الزرقاوی در ۷ ژوئن ۲۰۰۶، ابوحمزه مهاجر به‌عنوان رهبر القاعده عراق انتخاب شد؛ اما، در همان سال، گروه نظامی جامعی تشکیل شد که همه بنیادگراها و تشکیلات آن‌ها را در عراق دربر می‌گرفت که با نام «دولت اسلامی عراق» به رهبری ابوعمر بغدادی فعالیت خود را شروع کرد. اما همین جا بود که اختلافات القاعده و دولت اسلامی نیز شروع شد. پس از اینکه رهبر مصری (ابوعمر البغدادی) آن که به دست نیروهای امریکایی کشته شد، ابوبکر البغدادی به‌عنوان رهبر جدید دولت اسلامی شام و عراق در آوریل ۲۰۱۳ جانشین وی شد (فریمن، ۲۰۱۴: ۷). هنگامی که دولتی ورشکسته شد، در فضای به‌وجودآمده، تروریست‌های خارجی از کشورهای دیگر به این کشورها می‌آیند یا از این کشورها به کشورهای دیگر می‌روند؛ مسئله‌ای که بسیاری از دولت‌ها را در چند سال اخیر درگیر مسائل تروریسم و حملات تروریستی کرده و سبب شده بحران در یک کشور به معضل امنیتی جهانی بدل شود. مثال روشن این مسئله عراق و سوریه است که جنگجویان خارجی از کشورهای عربستان، قطر، سودان، الجزیره، فرانسه، مراکش، اندونزی،

مصر، و ... به این دو کشور بیایند و در آنجا تجمع کنند (سیمونز و تاکر، ۲۰۰۷: ۳۸۸). مؤسسه سوفان گروپ^۱ جنگجویان خارجی را، که به عراق و سوریه آمده‌اند، بین ۲۷۰۰۰ تا ۳۱۰۰۰ نفر از ۸۶ کشور جهان تخمین زده است. از آنجا که بستر فعالیت این گروه‌ها مناسب بوده، این دو کشور به محلی برای تجمع این گروه‌ها از سراسر دنیا تبدیل شده است. نمودار ۱ پیوستن جنگجویان خارجی از کشورهای مختلف به کمپین داعش در عراق را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. دواطلبان خارجی داعش در عراق

نیویورک تایمز، ۲۰۱۵: ۶

عراق کشوری اشغال شده بود که ارتشی برای برقراری امنیت در اختیار نداشت؛ مهم‌تر از آن، روند انتقال قدرت در این کشور به‌کندی پیش می‌رفت و با دخالت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی امکان اجماع درباره ساخت دولت وجود نداشت و نبود امنیت در یک کشور جنگ‌زده توجیهی برای حضور نیروهای خارجی در یک کشور را فراهم می‌کرد (کلود و شانکر، ۲۰۰۷: ۲۶). در سال ۲۰۰۳، پل برمر^۲ در یک اقدام انحلال ارتش عراق را اعلام کرد و اکنون ارتشی که تأمین‌کننده امنیت عراق باشد در این کشور وجود خارجی ندارد. بعد از خروج نیروهای نظامی امریکا از کشور عراق، خلأ نبود ارتش قوی بیشتر قابل لمس بوده و یکی از عوامل قدرت‌گرفتن گروه‌های تروریستی از جمله داعش را باید در ناکارآمدی ارتش این کشور جست‌وجو کرد. از این رو، گروه تروریستی داعش یکی از بزرگ‌ترین شهرهای عراق یعنی موصل را پایتخت خود اعلام کرد و اهداف توسعه‌طلبانه خود را به‌ویژه در زمینه‌های قومی و مذهبی، که تهدیدی بزرگ برای صلح و امنیت منطقه محسوب می‌شود، دنبال کرد (هورامی، ۲۰۱۵: ۶۵). غرب و ناتو هم به بهانه اهداف انسان‌دوستانه و مبارزه با نیروهای تروریستی وارد کشورهای آفریقا، عراق، و سوریه می‌شوند و بر منابع و سرزمین این کشورها سلطه می‌یابند. با وجود اینکه ۳۰۰۰۰ نیروی دولت عراقی در موصل بود و به سلاح‌های پیشرفته هم مجهز بودند، در مقابل دخالت داعش در موصل اقدامی انجام ندادند. داعش در طی کمتر از سه روز و به‌آسانی دومین شهر بزرگ عراق را تصرف کرد. فرماندهان نظامی عراق، که عمدتاً بعثی و طرفدار صدام بودند، با داعش همکاری کردند. داعش و نیروهای ارتش عراق هر دو مورد حمایت ناتو و امریکا بودند. هم نیروهای ویژه و مشاوران نظامی امریکا از جمله شرکت‌های امنیتی خصوصی با ارتش عراق کار می‌کردند هم نیروهای ویژه و مزدوران غربی در داخل داعش بر اساس قرارداد با سیا و پنتاگون و در ارتباط با ناتو و امریکا کار می‌کردند. از این رو، ناتو و امریکا در موصل ارتش عراق را مکلف کردند تا به تشکیلات داعش بپیوندند. ناتو و امریکا از طریق نیروهای ویژه خود و شرکت‌های امنیتی رویدادها را مدیریت می‌کردند. بنابراین، تصرف موصل تصادفی نیست، بلکه حاصل یک عملیات مهندسی شده و برنامه‌ریزی شده

پیشرفته است. به استثنای چند درگیری جزئی، جنگ خاصی در موصل رخ نداد. ارتش بسیار مسلح عراق در موصل به راحتی می‌توانست در برابر داعش مقاومت کند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که ارتشی‌ها توسط فرماندهانشان دستور داشتند تا هیچ دخالت نکنند و داعش را در تصرف شهر آزاد بگذارند. بنابراین، این امریکا و ناتو بودند که ارتش ۳۰۰۰۰ نفری عراق را در موصل مدیریت می‌کردند و آن‌ها بودند که اجازه ندادند ارتش عراق علیه داعش در موصل جنگ کند (چاساداووسکی، ۲۰۱۷: ۵-۱).

پروفسور مایکل خسودوفسکی^۱، عضو پژوهشکده جهانی، که آشنایی زیادی با سفیر امریکا در عراق، یعنی جان دیمیتری نگرپونته^۲ (۲۰۰۴-۲۰۰۵)، دارد، درباره او معتقد است که چطورری نگرپونته مأموریت خود را برای شکست قیام و خیزش‌های مردم عراق انجام داد و توانست عراق را به‌عنوان یک دولت-ملت نابود و متلاشی کند. به‌کارگیری جوخه‌های مرگ بخشی از دستورالعمل‌های اطلاعاتی-نظامی بسیار نهادینه‌شده امریکاست. سابقه طولانی و موارد مخوف زیادی در تاریخ امریکا درخصوص تأمین مالی و حمایت مخفی از تشکیلات تروریستی و ترورهای هدفمند وجود دارد که ریشه آن‌ها به جنگ ویتنام برمی‌گردد. به‌کارگیری و آموزش تشکیلات تروریستی در عراق و سوریه بر اساس مدل سالوادور^۳ در امریکای مرکزی طراحی شد؛ مدلی تروریستی از کشتار مردم توسط جوخه‌های مرگ مورد حمایت امریکا در امریکای مرکزی. این اقدام ابتدا در سالوادور و در اوج مقاومت مردمی علیه دیکتاتور نظامی این کشور انجام شد که به کشتن ۷۵۰۰۰ نفر منجر گردید (لئونارد و همکاران، ۲۰۱۶: ۷). ادوارد اسنودن^۴، پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی امریکا، می‌گوید: «سازمان‌های اطلاعاتی امریکا، انگلیس، و رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) نقش زیادی داشتند و در عملیاتی با نام «لانه زنبور» گروه موسوم به داعش را تشکیل دادند» (خرمشاد و آشنا، ۱۳۹۷: ۷۷). همچنین، سیموئر هرش^۵، در آوریل ۲۰۱۴، مقاله‌ای منتشر کرد که در آن از توافقی سری بین سازمان سیا، ترکیه، و شورشیان سوری برای خلق آنچه تحت عنوان «خط موش صحرائی ۲» از آن یاد می‌شود، پرده برداشت. این نمونه یا الگوی عملیاتی چیز جدیدی نیست؛ آنچه در عراق، سوریه، و افغانستان در حال وقوع است درواقع ادامه داستان قدیمی و مسبوق به سابقه است. النصره و داعش نوه‌ها یا نوزادان ایدئولوژیکی و سازمانی عناصر افراطی‌اند که دولت امریکا حدود سی سال قبل آن‌ها را ساخت و از آن‌ها استفاده کرد. امریکا، پس از آن، مبادرت به ایجاد زمین حاصل‌خیزی برای آن‌ها از طریق حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ نمود. اگر خلأ قدرت ایجادشده ناشی از حذف و اعدام صدام حسین نبود، القاعده و داعش در عراق به‌وجود نمی‌آمدند و اگر تلاش واشنگتن جهت سرنگونی اسد از طریق مسلح‌کردن و تأمین مالی و آموزش گروه‌های تروریستی نظامی در سوریه نبود، هیچ راه و امکانی وجود نداشت که داعش قادر باشد حملات طوفانی به عراق انجام دهد و در ژوئن ۲۰۱۴ وارد عراق شود (لئونارد و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۰).

با آغاز بحران سوریه در اوایل سال ۲۰۱۱ و تغییر ماهیت اعتراضات از سیاسی و مدنی به تروریستی و فرقه‌ای تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای و عملیات روانی، گروه‌های متعددی با گرایش‌های سلفی-تکفیری، به‌منظور جهاد با علوی‌ها، راهی سوریه شدند. طی بحران سوریه، تبلیغات روانی سنگین و پُرحجمی در راستای القای مذهبی و فرقه‌ای بودن جنگ سوریه انجام گرفت و این تبلیغات و عملیات روانی باعث عزیمت تعداد زیادی از اهل سنت سلفی به‌منظور جهاد با علوی‌ها به

1. Michel Chossudovsky
2. John Dmitri Negroponte
3. Salvador Option
4. Edward Snowden
5. Simone Hirsch

سوریه شد (زارعان، ۱۳۹۲: ۲۷). از آنجا که عامل مذهب یکی از مؤثرترین عوامل انگیزشی است، گروه سلفی - تکفیری داعش در سوریه فعال شد و در شرایط آشوب و هرج و مرجی که بخش‌های وسیعی از سوریه را دربر گرفته بود توانست با تسلط بر برخی استان‌ها، نظیر رقه و دیرالزور، و تسخیر چاه‌های نفت و دستیابی به مهمات و تسلیحات پادگان‌ها و مراکز نظامی، خود را در ابعاد مالی، تسلیحاتی، و نیروی انسانی به سرعت گسترش دهد. بحران سوریه از چند منظر باعث افزایش توان داعش شد که مهم‌ترین ابعاد آن عبارت‌اند از: بهره‌گیری داعش از جنگ سوریه برای تصرف بخشی از این کشور و تبدیل کردن شرق سوریه به پایگاهی برای توسعه توانمندی‌های خود، آموزش و سازمان‌دهی نیروها در سوریه بدون دغدغه جدی، جذب نیروی انسانی گسترده از کشورهای مختلف در پرتو بحران سوریه، تشدید تنش‌های مذهبی در منطقه و ایجاد بستر برای گروه‌ها و رفتارهای افراط‌گرایانه، افزایش رقابت‌ها و اختلافات منطقه‌ای و جذب منابع مالی از برخی بازیگران منطقه‌ای در جهت تصاعد بحران در سوریه و عراق و مجاورت جغرافیایی عراق با سوریه و ترکیه، که به انتقال نیروها، تسلیحات، و منابع مالی بسیار کمک می‌کند (مبینی‌کشه و آجیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۰، ۱۳۷). دستیابی به تسلیحات، مهمات، و تجهیزات پادگان‌های نظامی در عراق و سوریه و همچنین تسلط بر منابع مهم نفتی در این دو کشور در کنار قلمروی وسیع جغرافیایی که در اختیار دارد داعش را در موقعیتی کم‌نظیر میان همه بازیگران تروریستی در سراسر جهان قرار داده است (عطوان، ۲۰۱۴: ۱۹). در ماه‌های اولیه سال ۲۰۱۲، گروه تروریستی داعش به تدریج میدان‌های تولید نفت در شرق سوریه را در اختیار گرفت. داعش زمانی حدود ۶۰ درصد ظرفیت تولید نفت سوریه را در کنترل خود داشت (کرونین، ۲۰۱۵: ۳۴). در واقع، قدرت گرفتن داعش در معادلات امنیتی و سیاسی سوریه و عراق هم‌زمان نتیجه تنوع قومی - فرقه‌ای، چالش‌های امنیتی درونی، و گسترش رقابت‌ها و حمایت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از داعش است و این رخداد، ضمن تهدید تمامیت ارضی این دو کشور، امنیت و ثبات منطقه‌ای از جمله امنیت ملی ایران را نیز به صورت جدی در مخاطره قرار می‌دهد.

بحث و یافته‌ها

تأثیر ظهور داعش در عراق و سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.

بحران داعش، که از پُراهمیت‌ترین چالش‌ها در عرصه سیاست خارجی کشورهای مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران است، تأثیرات مختلفی در سیاست خارجی و امنیت ملی ایران بر جای گذاشته است. بر این اساس، ایران برای تأمین و تضمین حاکمیت، تمامیت ارضی، و استقلال خود نخست باید به بازخوانی امنیت ملی و منطقه‌ای خود مبادرت کند تا با در نظر گرفتن سطوح تحلیل به مدلی راهبردی، که امکان ترکیب مؤلفه‌های کاربردی را نیز داشته باشد، دست پیدا کند (خانی، ۱۳۹۷: ۱۹۷-۱۹۸). تحولات عراق و سوریه و به خصوص حضور داعش در عراق از دو جهت امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد: اول، حضور نظامی داعش و دوم، حضور مجدد نیروهای غربی در کشور عراق به بهانه مبارزه با گروه تروریستی داعش. بدون شک، حضور نظامی گروهی همچون داعش در دو کشور همسایه و متحد ما و در پی آن بی‌ثباتی شدید این کشورها در امنیت ملی ما تأثیرات مخربی بر جای می‌گذارد. گرچه گروه داعش توانایی مقابله نظامی با ایران را ندارد، تهدیدی که در این زمینه وجود دارد آن است که آن‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از برخی نارضایتی‌های اجتماعی، قومی، و اقتصادی در مناطق غرب ایران زمینه را برای فعالیت‌های خود فراهم کنند. در دنیای مدرن امروز تحولات سایر کشورها حتی در فواصل بسیار دور تأثیرات پایداری در سایر کشورهای جهان باقی می‌گذارد. حال آنکه بی‌نظمی و بی‌ثباتی در کشورهای همسایه و منطقه‌ای به مراتب تأثیرات مخرب‌تری بر جای می‌گذارد. هرج و مرج و بی‌ثباتی کشورهای عراق و سوریه می‌تواند معضلات و مشکلاتی همچون هجوم پناهندگان، اختلال در تجارت اقتصادی و

معضلات زیست‌محیطی، و گسترش ناامنی و تروریسم را بر جای گذارد. حال تصور کنید این گروه تروریستی با این ایدئولوژی نامرام بر عراق و شام تسلط یابد؛ چنین تصویری نیز وحشتناک است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

بدون شک، تداوم ناامنی‌ها و اهداف و رویکردهای مداخله‌جویانه آمریکا و ناتو و تشدید عملیات تروریستی و تجزیه‌طلبانه در منطقه با حمایت غرب و ناتو، صلح و ثبات جهانی و منافع منطقه‌ای و بلندمدت جمهوری اسلامی ایران و همسایگان و متحدان منطقه‌ای آن را به شدت تهدید می‌کند و در صورت عدم مقابله جدی با تهدیدات و اقدامات تجزیه‌طلبانه گروه‌های تروریستی و مداخلات و حمایت‌های آمریکا و ناتو از این گروه‌های تروریستی زمینه سلطه و نفوذ بلندمدت اسرائیل و غرب بر منطقه خاورمیانه فراهم می‌شود و جهان اسلام بار دیگر به کشورهای کوچک و مستعمره جدید آمریکا و غرب تبدیل می‌شود و هرگز به توسعه سیاسی و اقتصادی نیز نمی‌رسد. جمهوری اسلامی یکی از اهداف مورد نظر غرب و ناتو و گروه‌های تروریستی است و در صورت تداوم ناامنی‌ها و پیروزی گروه‌های تروریستی در منطقه با چالش‌ها و تهدیدات امنیتی فراوانی روبه‌رو خواهد شد. بنابراین، پرداختن به این مسئله مهم و یافتن راه‌حل‌های فوری و مؤثر برای مقابله با این تهدیدات برای تأمین صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی و همچنین تأمین امنیت و منافع راهبردی ایران و محور مقاومت در منطقه بسیار ضروری است (کور، ۲۰۱۶: ۱۸).

در منطق استراتژیک ایران، بازدارندگی تهدید از منطقه به شکل سخت و نرم یا به عبارت دیگر از طریق یک نوع «بازدارندگی ترکیبی» ممکن است. بازدارندگی سخت به معنای حضور مستقیم نظامی و مستشاری در عراق، سوریه، و لبنان برای پیشگیری از تهدیدات مستقیم جریان‌های تروریستی ضد امنیت ملی کشور است. بازدارندگی نرم هم به معنای تقویت ائتلاف‌های سیاسی و روابط با نیروها و نخبگان محلی برای تقویت روابط ایران در سطح دولت‌های دوست برای پُر کردن خلأهای سیاسی جاری در منطقه به‌ویژه پس از پیدایش و حضور داعش در منطقه است. همین مسئله سبب شد حضور ایران در منطقه از سوی رقبای ژئوپلیتیک این کشور در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای «گسترش خواهانه» تلقی شود. این در حالی است که ایران حضور منطقه‌ای خود را بیشتر در قالب دفع «تهدیدات منطقه‌ای» و برای افزایش «امنیت نسبی» در محیط پیرامونی ضروری می‌داند (برزگر، ۱۳۹۹: ۴۷). بر این اساس، سیاست خارجی ایران واکنشی به تهدیدات امنیتی به‌وجودآمده از سوی دولت‌های مداخله‌گر و پیدایش و قدرت‌یابی گروه‌های تروریستی در طی بحران سوریه و عراق است. گروه تروریستی داعش زمانی در عراق و سوریه حضور داشت و بخش‌های بزرگی از شمال سوریه و عراق را در تصرف خود داشت. این گروه تروریستی هم‌اکنون نیز در بخش‌هایی از لیبی و نیجریه، افغانستان، و آسیای جنوب شرقی فعالیت دارد. بر اساس برخی برآوردها، در ابتدای سال ۲۰۱۵، مساحت تحت کنترل داعش در سوریه و عراق به ۲۰۰ هزار کیلومتر مربع و جمعیتی که در مناطق تحت کنترل این گروه زندگی می‌کردند به ۱۰ میلیون نفر می‌رسید (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۵۴).



نقشه ۳. مناطق اشغال‌شده عراق و سوریه توسط داعش

اسماعیل پور روشن، ۱۳۹۶: ۸۰

اکنون بسیاری از مناطق تحت نفوذ داعش آزاد شده و در اختیار دولت‌های عراق و سوریه قرار گرفته است. فعالیت تکفیری‌ها مرزهای جمهوری اسلامی ایران را با هیچ خطری مواجه نمی‌کند، اما نباید امنیت ایران را در حصار مرزهای آن جست‌وجو کرد. خط مقدم جبهه مبارزه ضد داعش و حامیان آن فقط در مرزهای سرزمین ایران نمی‌گنجد و امروزه ایران، به‌عنوان قدرتمندترین کشور منطقه، عمق استراتژیک خود را تا مرزهای جنوبی لبنان با رژیم صهیونیستی گسترش داده است. سرلشکر صفوی، دستیار و مشاور عالی فرماندهی کل قوا، در این باره گفت: «قدرت نفوذ ایران از محور ایران، عراق، و سوریه تا مدیترانه رسیده و این سومین بار است که قدرت نفوذ ایران تا مدیترانه گسترده شده است. خط دفاعی ما دیگر شلمچه نیست؛ مرز دفاعی ما جنوب لبنان با اسرائیل است و عمق دفاع استراتژیک ما تا کنار مدیترانه و بالای سر اسرائیل رسیده است. نگرانی غربی‌ها از توسعه نفوذ قدرت ایران از خلیج فارس تا مدیترانه است» (رضایی و موسوی جشنی، ۱۳۹۶: ۱۵۳). هم‌اکنون، نفوذ ایران در خاورمیانه اساساً یک پُل زمینی یا مسیر دریایی انگاشته می‌شود که از عراق تا سوریه و لبنان امتداد دارد. ایران شبکه‌ای از گروه‌های تحت حمایت خود را دارد. بیشتر گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در منطقه با تهران متحد هستند که می‌توان از آن‌ها در رقابت با عربستان استفاده کرد. این نفوذ از زمان شکست داعش افزایش یافته است، زیرا گروه‌های تحت حمایت ایران در مناطقی که از تصرف داعش آزاد شده‌اند (مانند البوکمال در مرز سوریه و عراق) ریشه دوانده‌اند (نویدی‌نیا و گودرزی، ۱۳۹۹: ۱۸).

نقش راهبردی جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش در سوریه و عراق

عراق با موقعیت حساس و وابستگی‌های عمیق ژئوپلیتیکی متقابل با ایران یکی از معدود کشورهایی است که همواره از بدو شکل‌گیری ایده سلفی‌گری درگیر آن بوده است؛ به‌طوری‌که پس از اشغال عراق، این کشور به کانون اصلی فعالیت گروه‌های سلفی تبدیل شد و این جریان در تلاقی و همپوشانی با مدارهای قدرتمند سلفی در جایگاه مهم‌ترین بازیگر غیردولتی در صحنه تحولات عراق قرار گرفت. این گونه نقش‌آفرینی در حلقه اول جغرافیای سیاسی ایران واجد پیامدهای مهم برای جمهوری اسلامی ایران است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۶). پیدایش گروه تروریستی داعش در عراق موجب دخالت بازیگران خارجی در این کشور شد. با توجه به حضور شیعیان در عراق، که عمق راهبردی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، ایران از نخستین کشورهایی بود که به درخواست کمک عراقی‌ها برای مبارزه با داعش پاسخ مثبت داد. نقش تعیین‌کننده ایران در مقابله با داعش تا حدی است که روزنامه انگلیسی *گارلد* مدعی شود: «نقش ایران در عراق بسیار مهم است و سلیمانی، فرمانده نیروی قدس ایران، بغداد را حفظ کرد» (کمالی‌دهقان، ۲۰۱۴: ۶). جمهوری اسلامی ایران با نقش بارز سردار سلیمانی یک استراتژی سیاسی-امنیتی «هوشمندانه» و دوجنبه‌ای در راستای تأمین منافع ژئوپلیتیک کشور طراحی کرد: نخست، افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران، که یک اصل ثابت سیاست خارجی در چند دهه گذشته برای حفظ جایگاه سیاسی کشور در معادلات سیاسی منطقه‌ای و جهانی بود. این استراتژی، فراتر از جنبه‌های ایدئولوژیک مربوط به محور مقاومت و وحدت شیعیان در منطقه، یک جنبه کلان «بازدارندگی تدافعی» هم داشت و آن تقویت منابع قدرت ملی کشور و همچنین حفظ امنیت در مرزهای فوری و حلقه بزرگ‌تر امنیتی در منطقه بود. دوم، حفظ بقای کشور از طریق دفع تهدیدات متقارن (بازیگران دولتی دشمن مثل آمریکا و رژیم اسرائیل) و تهدیدات نامتقارن (گروه‌های تروریستی همچون القاعده و داعش که ماهیت ضدایرانی دارند). این استراتژی نوعی بازدارندگی برای کشور به‌وجود آورد که با امکانات، ظرفیت‌های اقتصادی، و محدودیت‌های راهبردی کشورمان در دوره تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی همخوان بود (برزگر، ۱۳۹۹: ۵۰). سردار سلیمانی شبکه‌ای از نیروهای محلی طرفدار ایران در منطقه با کمترین هزینه برای دفع این تهدیدات ایجاد کرد. ایران، با این استراتژی، در روابط با قدرت‌های بزرگ یعنی روسیه و آمریکا در

بحران سوریه تعادل به وجود آورد، نقش سرکش دولت ترکیه در عراق و سوریه را مهار کرد، موازنه وحشت در روابط با رژیم اسرائیل ایجاد نمود، عراق را از کمپ دشمنان خارج و به حلقه دوست ایران در جهان عرب تبدیل کرد، و از این طریق بر نقش استراتژیک منطقه‌ای و چانه‌زنی کشور در روابط با کشورهای غربی افزود. ظهور داعش در عراق تهدیدی عمده برای حلقه فوری امنیتی ایران است که در ابتدای سال ۲۰۱۵ تا ۵۰ کیلومتری مرزهای غربی ایران در نزدیکی شهرهای جلولا و سعدیه^۱ در استان دیاله نفوذ کرد. طبیعی است که ایران به انتظار نمی‌نشیند تا به حمله داعش به مرزهایش پاسخ دهد، بلکه سعی می‌کند، با ایجاد عمق راهبردی لازم، خط مقدم‌های خود در مقابل داعش را تا استحکام محور مقاومت و تقویت بیداری اسلامی گسترش دهد. بنابراین، مقابله کنونی ایران با داعش عمیق‌تر از مجادله با طالبان است. زیرا طالبان هدف خود را در مبارزه با کفر می‌بیند، اما داعش شیعه را دشمن اصلی خود می‌داند (شیرودی، ۱۳۹۴: ۹۱). نابودی همه مسلمانان و اقلیت‌های غیرمسلمان در خاورمیانه هدفی است که رهبران داعش به دنبال آن‌اند. آنچه در مواضع داعش به نظر می‌آید این است که هدف اول شیعیان‌اند که عمدتاً در ایران، عراق، و بحرین اقامت دارند (رشید، ۲۰۱۴: ۲۵). نگاه داعش به شیعه حاکی از آن است که این گروه ایران را به‌عنوان هسته اصلی و محوری شیعه مورد هدف قرار داده و اعتقاد دارد باید به سمت هسته حرکت کرد. از نگاه داعش، ایران شیعی به‌عنوان هسته اصلی مخالفان حکومت اسلامی مورد ادعای داعش به هر نحو ممکن باید مورد هدف قرار گیرد. احساس داعش بر این است که ایران به لحاظ تأثیرگذاری در منطقه مانع عمده این گروه تروریستی برای اجرای احکام اسلامی است. به‌زعم داعش، حمله به مقدسات و ارزش‌های شیعی در عراق پیش‌زمینه مناسبی برای ورود به اقدام بعدی علیه ایران است. از این رو، بخشی از سناریوی پیش روی این گروه رسیدن به اهداف خود از طریق کشاندن صحنه نبرد به سمت مرزهای ایران است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۶). بدین لحاظ، حمایت از دولت‌های عراق و سوریه از مهم‌ترین عوامل پیشبرد رویکرد سیاسی - امنیتی ایران در خاورمیانه است. ایران، پس از چند دهه حمایت از این نظام‌ها، نباید به راحتی آن‌ها را از دست بدهد. راهبرد ایران در مساعدت‌های مستشاری به ارتش عراق در قالب ارتقای تحرک بسیج مردمی «حشدالشعبی» با نقش بارز سردار سلیمانی با موفقیت همراه بوده است (نیاکوئی و مرادی کلارده، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

همدردی و همسویی آل سعود برای تشکیل ارتشی ضدشیعه در اسناد افشاشده رسمی آمریکا مشخص و عیان شده است. هیلاری کلینتون، وزیر خارجه آمریکا، در دسامبر ۲۰۰۹، در پیغامی تلگرافی، که توسط ویکی‌لیکس منتشر شد، این نکته را بیان کرد که عربستان سعودی همچنان پایگاه اصلی حامی مالی القاعده، طالبان، و دیگر گروه‌های تروریستی است. عربستان و هم‌پیمانانش در عمل کنترل و هدایت داعش را به‌دست گرفته‌اند و این مدیریت و هدایت آن‌ها بود که به داعش این امکان را داد تا کنترل کامل اپوزیسیون سنی را در عراق و سوریه به‌دست آورند. با وجود اشتباهات عظیم، ناتوانی و ناکامی‌های مالکی دلیل اصلی این مسئله نیست که چرا دولت عراق در حال فروپاشی است. آنچه عراق را در سال ۲۰۱۱ ناپایدار و متزلزل کرد شورش سنی‌های وهابی در سوریه و کنترل و مدیریت آن شورش توسط معارضان وهابی بود؛ کسانی که اغلب توسط خیران سعودی، قطر، کویت، و امارات متحده عربی حمایت می‌شوند (لئونارد و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۰۱). پروفیسور اسد ابوخلیل^۲ در گفت‌وگویی در تأیید حمایت عربستان از گروه‌های تروریستی می‌گوید: «ایدئولوژی عربستان سعودی همان ایدئولوژی داعش است؛ حتی اگر سیاست خارجی این دو متفاوت باشد» (پال، ۲۰۱۴: ۲). بر این اساس، مبارزه ایران با داعش می‌تواند به نفوذ بیشتر آن منجر شود و در مقابل از نفوذ عربستان بکاهد. زیرا عربستان، به‌رغم پیوستن به ائتلاف ضدداعش، چندان موافق از بین رفتن آن نیست. درواقع، مطرح‌شدن مسائل هویتی و

1. Gullah and Sa'dia
2. Asad Abu Khalil

مقابله داعش با شیعه و به‌ویژه ایران در حمایت عربستان از آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌نماید. مقابله و مخالفت با تحرکات جریان‌های شیعه و بسیج مردمی شیعیان، که با هدایت ایران و سردار سلیمانی انجام می‌گرفت، فشار به غرب و دولت عراق در عدم بهره‌گیری از نیروهای حشدالشعبی، و حمایت‌های مالی، تسلیحاتی، و اطلاعاتی از جریان‌های تکفیری بخشی از اقدامات عربستان متعاقب تحولات اخیر بوده است؛ بنابراین، عربستان در تلاش است با دامن‌زدن به این اقدامات از دامنه نفوذ ایران در کشورهای منطقه از جمله عراق و سوریه بکاهد و با هدف تأمین اهداف و منافع منطقه‌ای ریاض و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن به شکل‌گیری معادلات سیاسی و نظم امنیتی مطلوب در این کشورها کمک کند.

بر اساس نظریه واقع‌گرایی تدافعی، دولت‌ها در پی حفظ موجودیت خویش در نظام اقتدارگرای بین‌المللی‌اند و فقط در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها وجود دارد به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است و فقط در شرایطی که معضل امنیت خیلی جدی شود واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد نمود. به عبارت دیگر، دولت‌ها زمانی اقدام به گسترش نفوذ و افزایش قدرت خود می‌کنند که احساس ناامنی کنند. بر این اساس، حضور دولت در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی انجام می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۵). در این میان، ایران حمله داعش به مجلس شورای اسلامی و مرقد مطهر امام خمینی (ره) در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ را، با استناد به اظهارات یادشده، ناامن‌سازی ایران توسط عربستان تلقی کرده است. این حملات نخستین حمله داعش در خاک ایران بود و اولین حمله تروریستی در تهران در بیش از یک دهه و نخستین حمله بزرگ در کشور ایران از زمان بمب‌گذاری در سال ۱۳۸۹ در زاهدان محسوب می‌شود. در این عملیات نیروهای سپاه، ناجا، و نیروهای امنیتی به مقابله با افراد مسلح، که عضو داعش بودند، پرداختند. در فاصله چند روز بعد از این اقدام تروریستی، جمهوری اسلامی ایران برای انتقام از این حملات، در ۲۹ خرداد ۱۳۹۶، مواضع داعش در استان دیرالزور^۱، واقع در شرق سوریه، را هدف حملات موشکی قرار داد (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۰-۱۸۱) و اهداف و سیاست‌های این گروه تروریستی را در منطقه با شکست مواجه ساخت. بنابراین، باید گفت با توجه به اینکه حضور و فعالیت گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه به تهدیدی علیه امنیت ملی ایران تبدیل شد، جمهوری اسلامی ایران در صدد رفع تهدیدات امنیتی ناشی از وقوع بحران در دو حلقه امنیتی ضروری و غیرضروری خود، یعنی عراق و سوریه، برآمده است و با اتخاذ رویکردی تدافعی در جهت تأمین اهداف و منافع به‌خصوص منافع امنیتی خود و اعضای محور مقاومت گام برمی‌دارد. هم‌اکنون، هزاران جنگجوی مورد حمایت ایران در حال پیشروی به سوی شرق سوریه و نزدیک شدن به مرزهای عراق‌اند. هدف تهران ایجاد کریدوری است که ایران را از طریق عراق به سوریه و سپس مدیترانه متصل کند و برای اولین بار راه بلامنازعی را برای رساندن کمک به متحدان خود در سوریه و لبنان ایجاد کند.



نقشه ۴. حمله موشکی ایران به مواضع داعش در شرق سوریه
اخبار جهان اسلام، ۲۰۱۸: ۵

از این رو، ایران در برخی موارد برای حفظ امنیت منطقه‌ای و منافع خود از عملیات مستقیم نظامی در مرزهای غربی خود (عراق و سوریه) استفاده کرده است. حمایت‌های مالی به‌منظور پشتیبانی از متحدان و جناح‌های موافق در کشورهای منطقه ابزار دیگر جمهوری اسلامی بوده است. بنا به برآورد فرستاده ویژه سازمان ملل متحد به سوریه که در ژوئن ۲۰۱۵ منتشر شده، جمهوری اسلامی فقط در این سال مبلغی حدود ۶ میلیارد دلار به دولت بشار اسد و ۷۰۰ میلیون دلار به حزب‌الله لبنان کمک کرده است (کاتزمن، ۲۰۱۹: ۶-۷). بنابراین، پُررنگ‌ترین ابزار سیاست خارجی ایران در مقابله با داعش حضور میدانی و حمایت‌های نظامی و رهبری عملیات‌های ضدتروریستی برای عقب‌راندن داعش و کوچک‌تر شدن محدوده نفوذش بوده است. تدارک همکاری‌های منطقه‌ای و حضور مؤثر در نشست‌های ژنو و آستانه برای حمایت از دولت‌های عراق و سوریه اقدام دیگری از سوی ایران بود. این همکاری‌ها باعث شد تا داعش مراکز اصلی قدرت خود در عراق را از دست بدهد و در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ میلادی به تدریج دایره نفوذ این گروه در سوریه به حداقل برسد (نوبدی‌نیا و گودرزی، ۱۳۹۹: ۱۱).

بر اساس رویکرد واقع‌گرایی تدافعی، استفاده از ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران در مواجهه با بحران در سوریه و عراق و در دوران پساداعش، با هدف افزایش منافع ملی، ابزار مفید و مؤثری برای تقویت گروه‌هایی همچون حزب‌الله لبنان و علویان سوریه و حشدالشعبی در عراق و ... خواهد بود. واقعیت این است که ایران بر اساس اصل دعوت و به درخواست دولت قانونی سوریه و برای نجات سوریه و مسلمانان منطقه وارد منازعه سوریه، عراق، و نیز یمن شد و هرگز قصد مداخله و توسعه‌طلبی ارضی نداشته است. چون آغاز منازعه سوریه با حمایت ترکیه، اسرائیل، امریکا، و عربستان در تجهیز و پشتیبانی همه‌جانبه داعش همراه بود و داعش را با همه امکانات بسیج کردند تا بازوی حیاتی و امنیتی و سرپل‌های حیاتی ایران را در خاورمیانه نابود کنند، ایران در اقدامی دفاعی به حمایت از دوستان و متحدان منطقه‌ای خود پرداخت و در عین حال در سوریه و عراق بر راهکارهای سوری-عراقی یعنی مردم‌سالاری واقعی در این کشورها تأکید کرد و تصریح دارد که منازعه سوریه و عراق و همچنین یمن از طریق انتخابات و به دست مردم این کشورها تعیین شود (گیدرو و هالوارد، ۲۰۱۸: ۵۲). نقش‌آفرینی ایران در سوریه قاعده بازی را به سود دولت سوریه تغییر داده است. ایران، علاوه بر حمایت دیپلماتیک و اقتصادی، در فراهم کردن تسلیحات و اعزام مستشاران نظامی برای نظام سوریه نقش مهمی ایفا کرده است. ایران پس از درخواست نظام سوریه بسیاری از مستشاران سپاه و ارتش را برای مقابله و نبرد با گروه‌های تروریستی به این کشور اعزام کرده است. از این رو، بر اساس نظریه رئالیسم تدافعی، می‌توان گفت دولت‌هایی که از توانایی جدید و بالقوه دیگران احساس تهدید می‌کنند با اتخاذ تدابیر نظامی از خود واکنش نشان می‌دهند.

طبق نظریه واقع‌گرایی تدافعی، از آنجا که خاورمیانه یک نظام آنارشیک منطقه‌ای است که همواره با مسئله معمای امنیتی رو به رو بوده است، دولت‌هایش به ناگزیر برای تأمین امنیت در تکاپوی افزایش قدرت‌اند، زیرا در نظام آنارشیک و خودیار دولت‌ها فقط با توسل به قدرت‌شان می‌توانند نسبت به بقایشان خاطر جمع شوند. افزایش قدرت دولت‌ها نیز با توسل به منابع درونی یا از طریق پیوستن به متحدان بیرونی تحقق می‌یابد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۷۰). در این راستا، پیشرفت سریع گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه در تابستان سال ۲۰۱۴ و اهداف توسعه‌طلبانه اعلام‌شده توسط این گروه، منطقه خلیج فارس و کل جهان را با تهدید امنیتی قریب‌الوقوع مواجه کرد، که این موضوع باعث ایجاد ائتلاف جهانی برای مبارزه با آن شد (سیرلیگ، ۲۰۱۵: ۱). در این میان، در خصوص حضور نظامی ایران و امریکا در عراق یک اتحاد ناخواسته بالفعل و ضمنی بین تهران و واشنگتن پس از چند سال شکل گرفت. بنابراین، ارتش عراق و نیروهای بسیج مردمی موسوم به «حشدالشعبی» با حمایت مستشاری سپاه قدس و پشتیبانی هوایی حملات ائتلاف بین‌المللی ضد داعش به رهبری امریکا توانستند مناطق گسترده‌ای از جمله الرمادی و فلوچه را از دست داعش آزاد کنند (بصیری و همکاران،

۱۳۹۵: ۵۱-۷۱). در مورد سوریه، به نظر می‌رسد ائتلاف بین‌المللی ضد داعش تلاش می‌کند مواضع داعش در سوریه را مورد هدف حمله هوایی قرار دهد، اما نه به آن میزان که دولت سوریه بتواند در عرصه زمینی آن مناطق را از داعش پس بگیرد. از سوی دیگر، تقویت معارضان مسلح به اصطلاح میانه‌رو در دستور کار ائتلاف قرار دارد تا مناطقی که از دست داعش بیرون می‌رود سریعاً توسط گروه‌هایی چون ارتش آزاد اشغال شود. با توجه به حملات ائتلاف به زیرساخت‌های اقتصادی سوریه و تلاش برای برقراری نوعی منطقه پرواز ممنوع در آسمان سوریه، به نظر می‌رسد هدف اصلی ائتلاف علیه داعش احیای بازی شکست خورده غرب برای سرنگونی اسد باشد (سهرابی، ۱۳۹۶: ۴۵).

در آگوست ۲۰۱۷، نیروی هوایی آمریکا بیش از ۱۶۷۹۱۲ سورتی پرواز از زمان آغاز عملیات خود در عراق و سوریه، یعنی آگوست ۲۰۱۴، انجام داد. علاوه بر حملات هوایی، آمریکا همچنین سربازانی دارد که در سوریه و عراق مستقرند (۱۷۲۰ نفر در سوریه و ۸۸۹۲ نفر در عراق) و از این طریق سیگنال می‌دهد که راه‌حل دیگری برای منازعه سوریه نیست (کوپی، ۲۰۱۸: ۲۸). هزینه کلی اختصاص داده شده توسط دولت آمریکا در مبارزه با داعش در سال مالی ۲۰۱۸ بیش از ۱/۲ میلیارد دلار بوده است که شامل حمایت از نیروهای اپوزیسیون سوریه نیز می‌شود (تورنبری، ۲۰۱۷: ۵۲۴). درحقیقت، دولت آمریکا مدعی است که هدفش در سوریه شکست داعش است. داعش بی‌رحمانه و به لحاظ جغرافیایی شهروندان سوریه، عراق، ایران، و تا حدودی برخی از کشورهای اروپایی را قتل‌عام کرد و حملاتی در اروپا انجام داد و جنگجویانی را از کشورهای غربی برای مبارزه با دولت عراق و سوریه استخدام کرد. بنابراین، داعش فقط از میان افراد فقیر نیرو استخدام نکرد. این اقدامات داعش سبب ایجاد ترس‌ها و نگرانی‌هایی در کشورهای اروپایی شد؛ چون اروپا بر آن است که شهروندان رادیکال بعد از نبرد با داعش به کشور خود برمی‌گردند و حملاتی را علیه خاک و مردم سرزمین خود انجام می‌دهند. این روایت امنیت ملی در طول مباحث ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶ تشدید شد و پس از آن ترامپ، که یکی از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود، وعده داد که داعش را شکست می‌دهد و اوپاما را به خاطر خلق داعش سرزنش کرد (گیدرو و هالوارد، ۲۰۱۸: ۴۱). آمریکا در شرایط کنونی نیز، که با شکست قریب‌الوقوع داعش در عراق، معادلات خود را در عراق از دست‌رفته می‌بیند، در پی توطئه‌های جدید جهت پیشبرد توطئه‌هایش در عراق از طریق حفظ محور نظامی در عراق و مداخلات فزاینده در امور داخلی این کشور در مرحله پس‌داعش است. این تحرکات آمریکا در حالی است که سیاست‌های اشغالگرانه و مداخله‌جویانه آمریکا در عراق جزو مخاطرات و تبعات منفی از جمله تخریب، کشتار، فتنه‌گری، و رشد و گسترش تروریسم در این کشور نتیجه دیگری نداشته است. هرچند در سیاست‌های اعلامی دولت آمریکا با این پاسخ روبه‌رو می‌شویم که آمریکا مخالف تجزیه عراق و سوریه بر اساس عوامل قومی و مذهبی و تبدیل به چندین کشور متعدد است، سیاست‌های اعلامی برخلاف چیزی است که دیده می‌شود؛ به‌ویژه اینکه این سیاست‌ها با هدف تقویت امنیت رژیم صهیونیستی و جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه به شدت در دولت ترامپ پیگیری می‌شود و صهیونیست‌ها نقش مهمی در اجرای این طرح‌ها دارند (اسماعیل‌پور روشن، ۱۳۹۶: ۳۳۲). اقدام‌های همه‌جانبه و اثربخش ایران به حدی بود که تلاش آمریکا و حامیانش در مبارزه با داعش به‌طور کامل در حاشیه قرار گرفت و رسانه‌های مختلف منطقه و جهان، حتی رسانه‌های غربی، بارها نقش ایران در این مبارزه را مؤثر و مفید خواندند. این حضور مقتدرانه و اثربخش اقتدار نظامی و سیاسی ایران در منطقه را به همه کشورهای فرامنطقه‌ای و کشورهای نظیر عربستان و ترکیه، که به شدت با ایران در منطقه جنوب غرب آسیا رقابت دارند، ثابت کرد (رضایی و موسوی جسنی، ۱۳۹۶: ۱۶۵).

به هر حال، ایران در سوریه و عراق به موفقیت‌هایی دست یافته است؛ به‌خصوص در سوریه توانسته قدرت نظامی خود را به قدرت سیاسی تبدیل کند و امروز می‌توان گفت ایران یکی از طرفین اصلی حل بحران سوریه است و در این راستا حمایت

خود مبنی بر حفظ یکپارچگی سوریه و دفاع از حاکمیت ملی را در دستور کار خود قرار داده است و تغییر اسد را فقط به خواست اکثریت مردم سوریه می‌پذیرد، آن هم طی یک انتخابات آزاد. به نظر می‌رسد، با توجه به شرایط فعلی سوریه و حوزه نفوذ ایران، از بین دو رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی، رویکرد واقع‌گرایی تدافعی از قابلیت بیشتری در تحلیل سیاست خارجی ایران در طی بحران سوریه برخوردار باشد. سیاست خارجی تدافعی به دنبال افزایش امنیت نسبی دولت‌ها در صحنه نظام بین‌الملل است. بر این اساس، می‌توان گفت دولت‌ها پیوسته در پی افزایش امنیت خود هستند. برخی نظریه‌پردازان معیارهایی همچون عملکرد ایدئولوژیک دولت، سیاست‌های اقتصادی، نوع روابط با همسایگان، نوع روابط با قدرت‌های بزرگ، و به‌کارگیری سیاست ائتلاف (کید، ۱۹۹۷: ۱۴۱-۱۴۷) را در جهت تشخیص سیاست خارجی واقع‌گرایی تدافعی به کار می‌گیرند. در بحران سوریه و دوران پساداعش سیاست خارجی ایران عمدتاً مبتنی بر حفظ منافع استراتژیک و تحت تأثیر اهمیت این کشور در معادلات سیاسی-امنیتی منطقه به‌خصوص در حوزه روابط با حزب‌الله و حماس و همچنین روند صلح اعراب و اسرائیل بوده که ایران در آن دارای نقش حساس و مهمی است. رویکرد استراتژیک ایران در دوران پساداعش حضور جدی‌تر در سطح منطقه است تا بتواند تعیین‌کننده معادلات آینده باشد. بنابراین، اقداماتی که دولت ترامپ آغاز کرده بر این پایه استوار است: (۱) از تبدیل شدن ایران به یک قدرت منطقه‌ای جلوگیری کند؛ (۲) تمرکز سیاست خارجی ایران را برهم بزند؛ (۳) ایران را درگیر مسائلی کند که آمریکا خواهان آن است، مسائلی نظیر ایران‌هراسی و تبدیل کردن مسئله برجام به یک موضوع جدید برای سیاست خارجی کشور و موضوعاتی چون مسائل موشکی ایران (قاسمی علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۶-۶۷). بر این اساس، بی‌ثباتی‌های گسترده و لزوم پیشگیری از تهدیدات امنیتی آینده دفاع فعال تهاجمی ایران در حلقه‌های امنیتی را ایجاب می‌کند. هم‌اکنون، دفاع فعال ایران در سوریه و عراق با حضور و ایفای نقش مستشاری فرماندهان نظامی در عرصه میدانی تحقق یافته است (مرادی کلارده و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۶: ۱۷۹-۱۸۰). بنابراین، ایران در راستای پیشبرد رویکرد واقع‌گرایی تدافعی با هدف حفظ و ارتقای امنیت ملی خود به حمایت از رژیم سیاسی سوریه و عراق پرداخته است. در واقع، ایران مهم‌ترین نقش را در نابودی داعش در سوریه و عراق داشته است. بدون شک، این نقش هم‌اینک و در دوران پساداعش موجب تشدید کینه‌توزی امریکایی‌ها و متحدان منطقه‌ای آن به‌ویژه عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی نسبت به ایران و متعاقباً طراحی راهبردهای جدید برای مقابله با ایران، که رهبر محور مقاومت در منطقه است، خواهد شد. به شهادت رساندن سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس، معاون نیروهای حشدالشعبی عراق، و همراهانشان در ۱۳ دی ۱۳۹۸ در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی بغداد توسط پهپادهای امریکایی، که به دستور مستقیم ترامپ انجام پذیرفت، در این راستا تحلیل‌کردنی است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این حملات، در ۱۸ دی ۱۳۹۸، پایگاه عین‌الاسد در استان الانبار عراق و پایگاهی در اربیل را، که محل استقرار نیروهای امریکایی بودند، هدف حمله موشکی قرار داد.

به هر حال، در پایان سال ۲۰۱۷، داعش سراسر قلمرو خود را در عراق و سوریه از دست داده است، ولی با تقویت دوقطبی شیعه-سنی و کُرد-عرب بستری را برای فضاهای تجزیه‌شده در آینده منطقه به‌وجود آورده که بر شکاف‌های قومی و مذهبی سوار شده است. هم‌اکنون، داعش به بخشی از معضلات امنیتی خطرناک خاورمیانه تبدیل شده که، علاوه بر راهکارهای نظامی و اطلاعاتی برای مقابله با آن، منطقه خاورمیانه بیشتر نیازمند راهکارهای سیاسی و رایزنی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و دیپلماسی فرهنگی برای دفع این معضل و بحران امنیتی است.

عراق و سوریه پساداعش: چالش‌ها و پیامدها

مبارزه علیه داعش و جنگ با گروه‌های تروریستی سوریه و عراق را ویران کرده است. گروه تروریستی داعش در غرب آسیا به‌خصوص در عراق و سوریه باعث تلفات گسترده و آوارگی میلیون‌ها انسان شده است. در سوریه تاکنون بیش از ۴۰۰۰۰۰ هزار نفر کشته شده، صدها هزار نفر زخمی و بیش از ۱۱ میلیون نفر آواره گشته‌اند که بیش از ۵ میلیون نفر از آن‌ها به کشورهای خارجی پناه برده‌اند. در نبرد الرقه، در می ۲۰۱۷، بیش از ۲۳۰۰۰ نفر مجبور شدند در طی چهار روز زادگاه و خانه خود را ترک کنند. تأثیر اقتصادی این منازعه نیز بسیار ویرانگر بوده است (گیدرو و هالوارد، ۲۰۱۸: ۷۵). همچنین، در آوریل ۲۰۱۶، برآورد شده است که تأثیر جنگ به افت ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی سوریه منجر شده و اقتصاد این کشور بیش از ۵۰ درصد کوچک شده است (بورگی، ۲۰۱۶: ۸).

جدول ۱. حملات و اقدامات داعش در سوریه در فاصله سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۷

منبع و نوع حادثه	مکان	زمان
اشغال کوبانی توسط داعش	کوبانی	اکتبر ۲۰۱۴
اشغال توسط میلیشای داعش	پالمیرا	۲۱ مه ۲۰۱۵
اشغال توسط میلیشای داعش	کوبانی	۲۶ ژوئن ۲۰۱۵
اشغال توسط میلیشای داعش	دیر الزور	۱۷ ژانویه ۲۰۱۶
بمب‌گذاری توسط داعش	حمص و دمشق	۲۱ فوریه ۲۰۱۶
حمله توسط میلیشای داعش	حلب	۲۹ آوریل ۲۰۱۶
بمب‌گذاری انتحاری توسط میلیشای داعش	طرطوس و جبله، بیمارستان ایستگاه اتوبوس	۲۳ مه ۲۰۱۶
بمب‌گذاری توسط داعش	قمیشلی	۲۷ ژوئیه ۲۰۱۶
بمب‌گذاری توسط داعش	حلب	نوامبر ۲۰۱۶
بمب‌گذاری توسط داعش	حلب	۱۵ آوریل ۲۰۱۷
بمب‌گذاری توسط داعش	رقای	ژوئن ۲۰۱۷

گیدرو و هالوارد، ۲۰۱۸: ۷۵

در عراق نیز تروریسم تاکنون جان ده‌ها هزار نفر را گرفته، ده‌ها هزار زخمی بر جای گذاشته، و بیش از ۵ میلیون نفر را آواره کرده است. به گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۷، حدود ۷ درصد از خانه‌های مردم سوریه ویران شده و حدود ۲۰ درصد دیگر هم آسیب جدی دیده است. بین ۴۰۰ هزار تا ۴۷۰ هزار مرگ و میر گزارش شده است و بیش از نیمی از جمعیت سوریه در سال ۲۰۱۰ مجبور به ترک کشورشان شده‌اند (الخلیل، ۲۰۱۷: ۲). همچنین، سد موصل به تعمیر فوری نیازمند است. شکسته شدن این سد می‌تواند زندگی میلیون‌ها عراقی را به‌خطر بیندازد. به گفته یک مقام رسمی سازمان ملل متحد، تعمیر زیرساخت‌های اساسی موصل ممکن است بیش از یک میلیارد دلار هزینه داشته باشد (کالین، ۲۰۱۷: ۴). همچنین، باید گفت تأسیسات و زیرساخت‌های بسیاری از شهرهای سوریه، عراق، و لیبی در جریان حملات گروه‌های تروریستی و اقداماتی که در مقابله با آن‌ها انجام گرفت ویران شده و بازسازی آن‌ها نیاز به میلیاردها دلار سرمایه دارد؛ به‌گونه‌ای که بخش وسیعی از کشاورزی عراق و سوریه در درگیری‌های میان گروه‌های تروریستی و نیز جنگ بین دولت‌ها با این گروه‌ها آسیب جدی دید. عدم دسترسی کشاورزان تحت کنترل داعش به امکانات کشاورزی نیز خسارات زیادی به مزارع و محصولات آن‌ها وارد کرده است. گروه‌های تروریستی، به‌ویژه داعش، در زمان اوج قدرت خود بیش از ۱۶۷ شهر با حداقل جمعیت ۱۰ هزار نفری را در عراق و سوریه تحت کنترل داشته‌اند یا بر سر آن‌ها مبارزه می‌کرده‌اند (رایبسون و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۵-۳۰). ارزیابی مرکز تحقیقات سیاسی سوریه نشان می‌دهد بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴، جنگ در

سوریه ۷۲ میلیارد دلار به سهام سوریه^۱ در این کشور خسارت وارد کرده است. همچنین، استفان دمیستورا^۲، نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه، گفته است که بازسازی سوریه به ۲۵۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد (سنگوپتا، ۲۰۱۷: ۳۲). داعش در عراق تمایل خود را برای هدف قراردادن تأسیسات نفتی اعلام کرده است و تاکنون چندین و چند عدد از امکانات انرژی از جمله بزرگ‌ترین پالایشگاه نفتی عراق در بایجی^۳ را در بخش شمالی این کشور به تصرف خود درآورده است (اسماعیل‌زاده امام‌قلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۳). از سوی دیگر، قاچاق نفت توسط داعش از طریق کانال‌های خاص خود باعث دامن‌زدن به ناامنی بیشتر در منطقه شده است، که برجسته‌شدن رویکرد امنیتی و کشیده‌شدن دامنه درگیری‌ها به سایر مناطق دیگر به فراخور بهره‌وری از این عنصر حیاتی را نیز به دنبال داشته است. این‌گونه فعالیت‌های داعش نه تنها باعث تقویت این گروه و دلالتان نفتی از یک سو و تضعیف دولت‌های رسمی در عراق و سوریه از سوی دیگر شده، بلکه این شرایط خود می‌تواند به تشدید هرچه بیشتر اقدامات تهاجمی این گروه تروریستی در منطقه کمک کند، که این خود می‌تواند چشم‌انداز صلح و ثبات منطقه غرب آسیا را تیره‌تر سازد.

تجزیه و تحلیل

تروریسم به معنای استفاده از زور برای ایجاد رعب و وحشت به منظور رسیدن به هدف خاصی است که گاه برای نیل به هدف جریان تروریسم در صدد نابودی و حذف رقیب برمی‌آید. این واژه در تاریخ تحول خود گاه در توصیف اعمال دولت‌ها، گاه در تعریف اقدامات انقلابی، یا به‌عنوان روشی در مبارزات ضداستعماری و ... با دو بار معنایی متفاوت مثبت و منفی به کار گرفته شده است. در هر حال، باید توجه داشت که در هیچ مقطعی از تاریخ این واژه معنایی جامع از آن و یا مصادیق مورد پذیرش بین‌المللی از آن ارائه نشده است. تروریسم اشکال مختلفی دارد که شاید یکی از خشن‌ترین نوع آن تروریسم دولتی و ایدئولوژیک باشد. در این راستا، محیط سیاسی خاورمیانه در سال‌های اخیر شاهد تکوین و رشد نوعی اسلام سلفی- تکفیری است. اساس این تفکر برداشت خشونت‌آمیز از دین و نادرست خواندن برداشت‌های دیگر است. حامیان این تفکر نه تنها خود را حق می‌دانند، بلکه هر برداشت دیگری از دین را نادرست می‌دانند و بر حذف فیزیکی رقبای خود از طریق خشونت اصرار دارند که در نهایت به رویکرد ترور منجر شده است. تکوین این تفکر حاصل نزدیکی دو برداشت رادیکالیسم از اسلام- یکی در مصر پس از اعدام سید قطب و رواج اندیشه‌های او و دیگری اندیشه‌های وهابیت- بود که در جریان هجوم شوروی به افغانستان به یکدیگر نزدیک شدند و امکان عرض اندام یافتند. گروه‌هایی مانند طالبان، القاعده، داعش، جبهه النصره، و احرار الشام مصداق عینی این طرز تفکرند.

رشد و گسترش این تفکر در محیط سیاسی خاورمیانه به دلیل حمایت عربستان و برخی دیگر از کشورهای منطقه برای هژمون کردن اسلام سلفی همراه با حمایت بازیگران خارجی به‌ویژه امریکا بود. اگرچه نباید برخی شرایط درونی مانند سقوط دولت‌های اقتدارگرا در عراق، منازعات مذهبی، شکاف‌های اجتماعی و قومی، همراه با گسترش فقر را نیز در گسترش این تفکر نادیده گرفت. جبهه‌گیری تفکر سلفی- تکفیری علیه اسلام انقلابی- شیعی ایران و حامیان آن موسوم به «جبهه مقاومت» سبب گردید تا نزدیک به یک دهه خاورمیانه شاهد رویارویی طرفداران و حامیان برداشت‌های متفاوت از اسلام باشد که جبهه سلفی- تکفیری با حمایت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی علیه رقبا به‌ویژه جبهه مقاومت استفاده از روش ترور، خشونت، و ارباب را در بالاترین سطح در دستور کار خود قرار داد که مصداق عینی آن در زمان حیات دولت داعش در عراق و سوریه بود که هزینه‌ها و تلفات سنگینی را بر ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و نظامی

1. Capital stock
2. Stephen Dimasura
3. Baiji

این کشورها تحمیل کرد. هدف اصلی حامیان تفکر سلفی - تکفیری به‌راه‌انداختن جنگ نیابتی و در صورت توان کشاندن آن به داخل مرزهای جمهوری اسلامی ایران بود. بدون تردید، چنین رویکردی دولتمردان ایران را متوجه خطر افراط‌گرایی کرد و مبارزه با تفکر سلفی - تکفیری به یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی ایران تبدیل شد. جمهوری اسلامی ایران برای نیل به هدف خود، علاوه بر کمک‌های مستشاری به دولت‌های عراق و سوریه، موفق به ایجاد یک ائتلاف متشکل از ایران، روسیه، عراق، سوریه، و حزب‌الله گردید که در نهایت با سقوط بوکمال در سال ۲۰۱۷ در سوریه، آخرین مقر دولت داعش، سرلشکر سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، پایان حیات داعش را اعلام کرد. البته، یادآوری این نکته لازم است که، در خلال این مدت، جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر تحمل فشارهای بین‌المللی، خود در داخل نیز چندین مورد از سوی گروه‌های تکفیری مورد هجوم قرار گرفت که نقطه عطف آن حمله تروریستی به مجلس شورای اسلامی، حرم مطهر امام خمینی(ره) و حادثه اهواز بود. تاکنون اگرچه دولت داعش سقوط کرده است، این طرز تفکر از میان نرفته و مجدداً امکان رشد و گسترش آن وجود دارد، به‌خصوص با توجه به اینکه بازیگران منطقه‌ای مانند عربستان و اسرائیل و بازیگران بین‌المللی به‌ویژه امریکا وجود محیط تروریستی را به نفع خود می‌دانند، زیرا هم تهدیدی علیه امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران است هم اینکه حضور امریکا در منطقه را توجیه و امکان فروش سلاح را برای این کشور فراهم می‌کند؛ مضافاً اینکه از نظر محیطی نیز در کشورهایی مانند پاکستان، عراق، و سوریه امکان برای رشد چنین تفکری وجود دارد.

بنابراین، با توجه به چنین شرایطی، دولتمردان جمهوری اسلامی ایران باید به چند نکته توجه کنند: ۱. پایان داعش را پایان تروریسم تکفیری ندانند؛ ۲. به‌رغم بروز اختلاف در برخی موارد میان ایران و روسیه در خصوص آینده سوریه، جمهوری اسلامی ایران باید ائتلاف با روسیه علیه جریان سلفی - تکفیری را حفظ و تقویت کند؛ ۳. جمهوری اسلامی ایران باید گروه‌های مقاومت از عراق تا درون سرزمین‌های اشغالی را حمایت و تقویت کند؛ ۴. کمک و حمایت از دولت‌های قانونی در عراق، سوریه، و لبنان بهترین راهکار برای مقابله با رشد و گسترش تروریسم تکفیری است؛ ۵. در عین حال، جمهوری اسلامی ایران باید درصدد گسترش و بهبود روابط با کشورهای منطقه برآید تا از یک طرف از میزان تنش در منطقه کاسته شود و از سوی دیگر حامیان این جریان تکفیری در انزوا قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

با نگاهی کلی به پژوهش، به‌نظر می‌رسد، از آنجا که واقع‌گرایی تدافعی هدایت سیاست خارجی کشورها را پاسخی به تهدیدهای خارجی می‌داند، نقش ایران در شکست داعش در سوریه و عراق با تئوری واقع‌گرایی تدافعی همخوانی دارد. یکی از مهم‌ترین پدیده‌های امنیتی عصر حاضر ظهور و گسترش گروه تروریستی داعش در غرب آسیا و شمال آفریقا است؛ پدیده‌ای که همه تحولات سیاسی، امنیتی، اقتصادی، و فرهنگی در این منطقه را تحت‌تأثیر قرار داده است. گروه تروریستی داعش با شعارها و اقدامات ضدشیعی عملاً در راستای اهداف و منافع بازیگران معارض با محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی قرار گرفته که خواهان تضعیف محور مقاومت و کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران به نفع خود هستند. از این رو، این کشورها از گروه‌های معارض در سوریه و عراق حمایت می‌کنند و خواهان ایجاد حکومتی سنی‌مذهب در این کشورها هستند. بنابراین، داعش می‌تواند خطری برای تمامیت ارضی ایران به‌شمار آید، زیرا داعش در اندیشه ایجاد خلافت است و ایجاد خلافت مستلزم ادغام کشورهای منطقه در یک کشور است. آن‌ها می‌توانند با حمله به مرزهای ایران و مکان‌های مقدس شیعی و همچنین با اعمال عملیات تروریستی در داخل، تهدیدات امنیتی بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران به‌وجود آورند. چنان‌که در خردادماه ۱۳۹۶، با حمله به مجلس و همچنین حرم مطهر امام

خمینی(ره)، باعث شهید و مجروح کردن عده‌ای از هم‌وطنانمان شد. از آنجا که سیاست دفاعی ایران بر رفع تهدیدات متمرکز است، دفاع فعال بر حضور فعال نظامی از طریق آموزش و کمک‌های مستشاری تأکید دارد. والت بر آن است که دولت‌ها فقط در برابر قدرت دست به موازنه نمی‌زنند، بلکه در برابر تهدید نیز دست به توازن می‌زنند. در این میان، ظهور گروه‌های سلفی- تکفیری در سوریه و عراق و استقرار آن‌ها در این کشورها- که از ارکان اساسی مقاومت محسوب می‌شوند- افزون بر اینکه مستقیماً منافع مادی و امنیتی ایران را هدف قرار داده است، از این حیث که به تضعیف مقاومت منجر خواهد گردید، موجبات ناامنی هستی‌شناختی ایران را فراهم خواهد کرد، که در این میان ایران درصدد مقابله با آن‌ها برآمده و در جهت جلوگیری از فروپاشی حلقه‌های مقاومت در منطقه به کمک‌های مستشاری خود به نظام‌های سیاسی سوریه و عراق مبادرت می‌ورزد.

شکست‌های اخیر تکفیری‌ها در عراق و سوریه نشان‌دهنده عدم توانایی این گروه در اجرای سیاست‌های غرب و حامیان صهیونیستی و عرب آن‌ها از یک طرف و برجسته‌تر شدن قدرت منطقه‌ای ایران و جبهه مقاومت از طرف دیگر است؛ اگرچه داعش عملاً قلمروی خود را در این کشورها از دست داده است و هم‌اکنون عناصر آن در منطقه پراکنده شده است، اینک فرصت‌های برجامانده از فعالیت این گروه تروریستی بر چالش‌های آن فزونی دارد. نباید از دو چالش اساسی در آینده غافل بود؛ اول، نسل خشونت‌گرای جدیدی است که تحت تأثیر ایدئولوژی خشونت‌ورز داعش قرار داشته و دارد؛ درواقع، نابودی داعش و دیگر گروه‌های تروریستی خاتمه‌بخش افراط‌گرایی در آینده نخواهد بود و روح تروریستی این گروه در اشکالی دیگر جلوه خواهد کرد؛ چالشی دیگر که ایران و سایر کشورهای محور مقاومت را تحت تأثیر قرار می‌دهد ساختار سیاسی عراق و سوریه است که در صورت توجه نامناسب می‌تواند زمینه را برای قدرت‌گیری و یارگیری مجدد گروه‌های افراطی و تروریستی از میان جوانان این کشورها فراهم آورد. اگرچه سیاست خارجی ایران بیشتر تحت تأثیر ایدئولوژی قرار دارد، عملکرد آن با توجه به نیازهای سیاسی، امنیتی، و منافع ملی کشور تحت تأثیر ملاحظات عمل‌گرایانه نیز قرار خواهد گرفت. درنهایت، می‌توان گفت هزینه‌ها و پیامدهای ناشی از اقدامات گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه، که بسیار سنگین نیز بوده است، باعث اختلال در روند توسعه این کشورها شده است و بر پیچیدگی هر چه بیشتر بحران سیاسی در سوریه و عراق افزوده است. داعش باعث به‌وجود آمدن آسیب‌های امنیتی- اقتصادی برای همه بازیگران در منطقه خاورمیانه شده و، با به‌چالش کشیدن نظم نسبی موجود، ریشه‌های بی‌اعتمادی در منطقه غرب آسیا را افزایش و چشم‌انداز صلح و ثبات بین بازیگران منطقه را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. بنابراین، با نگاهی کلی به نقش راهبردی جمهوری اسلامی در شکست داعش در سوریه و عراق، می‌توان گفت با توجه به اینکه پایان دولت داعش در سوریه و عراق از طریق نقش محوری ایران بوده و از طرفی این دو کشور از نظر راهبردی برای ایران دارای اهمیت استراتژیک‌اند، دولتمردان ایران باید تحولات پس‌داعش را در سوریه و عراق به‌گونه‌ای مدنظر قرار دهند تا مسیر تحولات این کشورها به سمتی سیر پیدا کند که در آینده سوریه و عراق منافع ملی جمهوری اسلامی ایران حفظ شود و در این میان سوریه به‌عنوان یک متحد استراتژیک و عراق به‌عنوان کشوری حیاتی برای جمهوری اسلامی ایران باقی بماند. زیرا ممکن است تفاهم‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای تحولاتی را در سوریه و عراق رقم بزند که به ضرر جمهوری اسلامی ایران باشد، مانند تفاهم اردوغان و ترامپ درباره گردهای سوریه. همچنین، ممکن است تفاهمی مشابه بین ترکیه و روسیه اتفاق بیفتد. از این رو، مقامات بلندپایه تهران باید، به‌عنوان یک هدف راهبردی، سیاستی اتخاذ کنند که در آینده ایران به‌عنوان یک مهره بازیگر در صحنه سیاسی سوریه و عراق باقی بماند و اهداف و منافع منطقه‌ای خود را تأمین و تضمین بخشد.

قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان در خصوص حمایت‌هایشان در جهت اجرای این پژوهش قدردانی کنند.

منابع

۱. عبدی، عطاءالله و ساکار شیرزاد، ۱۳۹۵، نقش فضاهای جغرافیایی در رقابت قدرت‌ها؛ مطالعه موردی: کشور عراق، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۵۴-۸۴.
۲. آدمی، علی و نیکنام، رضا، ۱۳۹۵، تأثیر تهدیدهای گروه‌های سلفی - تکفیری بر امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه **مطالعات سیاسی جهان اسلام**، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۱-۲۴.
۳. برزگر، کیهان، ۱۳۸۸، سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی، فصل‌نامه **بین‌المللی روابط خارجی**، سال اول، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۵۳.
۴. برزگر، کیهان، ۱۳۹۹، اهداف استراتژیک امریکا و اروپا در مورد ایران، فصل‌نامه **سیاست خارجی**، دوره ۳۴، شماره ۱، صص ۳۷-۵۵.
۵. التیامی‌نیا، رضا، ۱۳۹۲، تبیین نقش قدرت‌های منطقه‌ای در منطقه شامات و چشم‌انداز پیش رو، فصل‌نامه **مطالعات بیداری اسلامی**، سال دوم، شماره ۴، صص ۶۳-۹۴.
۶. اسماعیل‌پورروشن، علی‌اصغر، ۱۳۹۶، «تحلیل ژئوپلیتیکی شبکه‌های قدرت در عراق پس‌داعش: در راستای ارائه مدلی برای جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای امریکا، فصل‌نامه **نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، سال نهم، شماره سوم، صص ۷۹-۹۹.
۷. اسماعیل‌پور روشن، علی‌اصغر، ۱۳۹۶، تحلیل و مقایسه اهداف ژئوپلیتیکی روسیه و امریکا در بحران ۲۰۱۱ سوریه با تأکید بر امنیت اسرائیل و نقش منطقه‌ای ایران، فصل‌نامه **جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)**، دوره ۷، شماره ۲، صص ۲۲۷-۲۸۴.
۸. اسماعیل‌زاده امام‌قلی، یاسر و احمدی فشارکی، حسن‌علی، ۱۳۹۵، داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کهنه‌گ، فصل‌نامه **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال پنجم، شماره ۴۸، صص ۱۲۳-۱۴۱.
۹. قاسمی‌علی‌آبادی، محمدمهدی؛ مسعودنیا، حسین و امام‌جمعه‌زاده، سید جواد، ۱۳۹۷، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در قبال بحران داعش و پس‌داعش از منظر واقع‌گرایی تدافعی، فصل‌نامه **علوم سیاسی**، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، صص ۵۱-۸۱.
۱۰. هاشمی، سیدمصطفی؛ فرجی راد، عبدالرضا و سرور، رحیم، ۱۳۹۵، بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه **تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۶۳-۹۴.
۱۱. هاشمی، سیدمصطفی؛ فرجی راد، عبدالرضا و سرور، رحیم، ۱۳۹۶، تبیین عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر روابط ایران و عراق، فصل‌نامه **پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل**، سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۱۱۸-۱۴۳.
۱۲. خانی، حسین، ۱۳۹۷، داعش و نگاه ایرانی به امنیت منطقه‌ای؛ در جست‌وجوی چارچوبی تحلیلی، فصل‌نامه **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، دوره ۷، شماره ۵۶، صص ۱۹۵-۲۲۰.
۱۳. خرمشاد، محمدباقر و آشنا، قادر، ۱۳۹۷، بررسی عوامل درونی و بیرونی مانایی پدیده نوظهور داعش (از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷)، فصل‌نامه **مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، سال ۱۹، شماره ۷۵، صص ۶۱-۸۲.
۱۴. خسروی، عبدالصمد و زارعی، غفار، ۱۳۹۸، جایگاه داعش در امنیتی‌شدن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس در خاورمیانه، فصل‌نامه **پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۲۹.
۱۵. مسعودنیا، حسین؛ ابراهیمی، شهروز و درج، حمید، ۱۳۹۷، واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه: چالش‌ها و پیامدها، فصل‌نامه **مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۱۲۵-۱۴۶.
۱۶. میروسیفی اول، علیرضا، ۱۳۹۵، تناقضات راهبرد ضد‌داعش ایالات متحده امریکا و موضوع همکاری با ایران، فصل‌نامه **روابط خارجی**، سال ۸، شماره ۱، صص ۳۱-۵۹.

۱۷. مبینی کشه، زهرا و آجیلی، هادی، ۱۳۹۳، نقش داعش در شکل‌گیری معادلات جدید در خاورمیانه، فصل‌نامه *حبل‌المتین*، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۱۹-۱۴۲.
۱۸. مرادی کلارده، سجاد و هدایتی شهیدانی، مهدی، ۱۳۹۶، راهبرد امنیت منطقه‌ای ایران در بحران امنیتی خاورمیانه: ویژگی‌ها و اهداف، فصل‌نامه *روابط خارجی*، سال نهم، شماره سوم، صص ۱۶۳-۱۹۲.
۱۹. مصلی‌نژاد، عباس، ۱۳۹۵، سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان، فصل‌نامه *سیاست*، دوره ۴۶، شماره ۴، صص ۱۰۶۷-۱۰۸۷.
۲۰. نویدی‌نیا، فرزاد و گودرزی، مهناز، ۱۳۹۹، جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان در دوره پساداعش، فصل‌نامه *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱-۲۶.
۲۱. نجات، سیدعلی، ۱۳۹۴، گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، فصل‌نامه *سیاست*، دوره دوم، شماره ششم، صص ۱۰۳-۱۹۹.
۲۲. نجات، سیدعلی و جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۹۲، بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه، فصل‌نامه *پژوهش‌های سیاسی*، دوره ۳، شماره ۸، صص ۲۹-۴۹.
۲۳. نیاکوئی، سیدامیر، ۱۳۹۱، *کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب*، تهران: میزان.
۲۴. نیاکوئی، سیدامیر و مرادی کلارده، سجاد، ۱۳۹۴، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در عراق، فصل‌نامه *روابط خارجی*، سال هفتم، شماره ۱، صص ۱۲۱-۱۶۸.
۲۵. رضایی، رضا و موسوی جشنی، سیدصدرالدین، ۱۳۹۶، ظهور داعش و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های به‌وجودآمده برای ایران، فصل‌نامه *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۵، شماره ۱۱، صص ۱۴۹-۱۷۴.
۲۶. رستمی، فرزاد و سفیدی، سیامک، ۱۳۹۵، بررسی علل ظهور و استمرار معمای امنیت در عراق پس از صدام، فصل‌نامه *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره ۶، شماره ۱، صص ۸۳-۱۱۱.
۲۷. صادقی اول، هادی و حسینی اصیل، یحیی، ۱۳۹۸، جامعه‌شناسی سیاسی زایش تفکر منازعه‌آمیز داعش در عراق، *پژوهش‌نامه تاریخ، سیاست، و رسانه* سال دوم، شماره اول، صص ۸۵-۱۰۸.
۲۸. صادقی، سید شمس‌الدین و لطفی، کامران، ۱۳۹۴، تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه، فصل‌نامه *جستارهای سیاسی معاصر*، سال ۶، شماره ۱، صص ۷۳-۹۴.
۲۹. سنایی، اردشیر و کاویان‌پور، مونا، ۱۳۹۵، ظهور داعش و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه *مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۱۴۵-۱۶۸.
۳۰. سیفی، عبدالمجید و پورحسن، ناصر، ۱۳۹۷، داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، فصل‌نامه *مطالعات روابط بین‌الملل*، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۳۷-۶۳.
۳۱. سهرابی، محمد، ۱۳۹۶، تهاجم نظامی امریکا به عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه *مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۲۷-۵۵.
۳۲. شیرودی، مرتضی، ۱۳۹۴، مدل راهبردی (SWOT) در تحلیل بحران رفتار سیاسی داعش، جمهوری اسلامی ایران و راه‌های برون‌رفت، فصل‌نامه *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، سال سوم، شماره ۸، صص ۸۱-۱۰۶.
۳۳. شجاعیان، فاضل؛ شیعی، اسماعیل و شیعی، نوذر، ۱۳۹۶، نقش آفرینی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (فرصت‌ها و تهدیدات)، فصل‌نامه *پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال هشتم، شماره ۳۳، صص ۲۹۷-۳۲۷.
۳۴. زارغان، احمد، ۱۳۹۲، سنخ‌شناسی شکاف‌های اجتماعی در سوریه، فصل‌نامه *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، سال چهاردهم، شماره ۵۶، صص ۵-۴۶.
۳۵. ذوالفقاری، مهدی و عمرانی، ابودر، ۱۳۹۶، تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۶۹-۱۹۵.

36. Abdi, Ata Allah and Sakar Shirzad, 2016, The Role of Geographic Spaces in the Competition of Powers; A Case Study: The Country of Iraq, *Geopolitical Journal*, Vol. 12, No. 3, pp. 54-84.
37. Adami, Ali and Nicknam, Reza, 2016, The impact of Salafi-Takfiri groups threats on IRI ontological security, *Quarterly of Political Studies of the Islamic World*, 5(19), 1-24.
38. Barzegar, Keyhan, 2009, Iran's foreign policy in the view of "defensive and invasive realism, *International Journal of Foreign Relations*, Vol. 1, No. 1, pp. 113-153.
39. Barzegar, Kayhan, 2020, US and European strategic goals for Iran, *Foreign Policy Quarterly*, Vol. 34, No. 1, pp. 37-55.
40. ElIyami Nia, Reza, 2013, Explain the role of regional powers in the Shamat region and The outlook ahead, *Quarterly of Islamic Awakening Studies*, 2(4), 63-94.
41. Esmailpur Roshan, Ali Asghar, 2017, The geopolitical analysis of power networks in Iraq after Isis: in order to present a model to prevent American regional influence, *Journal of New Attitudes in Human Geography*, Vol. 9, No. 3, pp. 79- 99.
42. Esmail Porrooshan, Ali Asghar, 2017, Analyzing and Comparing Russia-US Geopolitical Goals in the 2011 Syrian Crisis with Emphasis on Israel's Security and Iran's Regional Role, *Geography Journal (Regional Planning)*, Vol. 7, No. 2, pp. 227-248.
43. Esmailzade Emamgholi, Yaser anf Ahmadi Fesharaki, Hasan Ali, 2016, Isis and Iran's security by relying on the Copenhagen school, *Journal Strategic Policy Research*, Vol. 5, No. 48, pp. 123-141.
44. Ghasemi Aliabadi, Mohammad Mehdi; Masoudnia, Hossein and Emam Jomezade, Seeyed Javad, 2018, Comparative examination of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran and the European Union in response to the Isis crisis and after Isis from defensive realism, *The specialized Journal of Political Science*, Vol. 14, No. 43, pp. 51-81.
45. Hashemi, Seyed Mostafa; Faraji Rad, Abdolreza and Sarvar, Rahim, 2016, Investigating the Effective Geopolitical Factors of Iraq and Its Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran, *Journal International Political Research*, Vol. 8, No. 28, pp. 63-94.
46. Hashemi, Seyed Mostafa; Faraji Rad, Abdolreza and Sarvar, Rahim, 2017, Explaining the Geopolitical Factors Affecting Iran-Iraq Relations, *Iranian Journal of International Politics Journal*, Vol. 5, No. 10, pp. 118-143.
47. Khani, Hossein, 2018, Isis and the Iranian look at regional security; in search of an analytical framework, *Journal Review of Strategic Studies Research*, Vol. 7, No. 56, pp. 195-220.
48. Khoramshad, Mohammadbagher and Ashna, Ghader, 2018, Studying Internal and External Factors of Newfound Phenomenon of ISIL (From 2010 to 2017), *Culture-Communication Studies*, Vol. 19, No. 75, pp. 61-82
49. Khosravi, Abdolsamad and Zarei, Ghaffar, 2019, Position of ISIS in Security of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran and the Gulf Cooperation Council in the Middle East, *Quarterly of Political Research in the Islamic World*, 9(2), pp. 107-129.
50. Masoudnia, Hossein; Ebrahimi, Shahrouz and Doj, Hamid, 2018, Investigating the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran toward the Syrian Crisis: Challenges and Consequences, *Strategic Studies in Public Policy Journal*, Vol. 8, No. 28, pp. 125-146.
51. Mir Yousefi Awal, Alireza, 2016, Contradictions between the US strategy against ISIS and the issue of cooperation with Iran, *Foreign Relations Quarterly*, 8(1), 31-59.
52. Mobinikeshe, Zahra and Ajili, Hadi, 2015, Isis's role in forming new equations in the Middle East, *Scientific- Specialized Journal of Hablol Matin*, Vol. 3, No. 9, pp. 119-142.
53. Moradi Kelaredh, Sajjad and Hedayati Shahidani, Mehdi, 2017, Iran Regional Security Strategy in the Middle East Security Crisis: Properties and Objectives, *Journal of Foreign Relations*, Vol. 9, No. 3, pp. 163-192.
54. Mosallanejad, Abbas, 2017, Regional balance policy in Iran- Saudi relations, *Journal Policy*, Vol. 46, No. 4, pp. 1067-1087.
55. Navidi Nia, Farzad and Goodarzi, Mahnaz, 2020, The regional position of Iran and Saudi Arabia in the post-ISIS period, *Quarterly of Political Research in the Islamic World*, 10(1), 1-26.
56. Nejat, Seeyed Ali, 2015, The terrorist group of Isis and the National Security of the Islamic Republic of Iran; Challenges and Opportunities, *Journal Policy*, Vol. 2, No. 6, pp. 103-119.
57. Nejat, Seeyed Ali and Jafari Woldani, Asghar, 2014, Investigating the Role and Position of the Islamic Republic of Iran in the Syrian Crisis, *Journal Political Research*, Vol. 3, No. 8, pp. 29-49.

58. Niakoui, Seyyed Amir, 2012, *The Autopsy of Contemporary Revolutions in the Arab World*, Tehran: Mizan Publication.
59. Niaquyi, Seeyed Amir and Moradikelarehd, Sajjad, 2015, The rivalry of regional powers in Iraq, *Journal of Foreign Relations*, Vol. 7, No. 1, pp. 121-168.
60. Rezayi, Reza and Musavi Jashni, Seeyed Sadroddin, 2017, Isis's rise and its impact on regional equations: Case Study of Challenges and Opportunities for Iran, *Journal of Political Sociology of the Islamic World*, Vol. 5, No. 11, pp. 149-174.
61. Rostami, Farzad and Sefidi, Siamak, 2016, Investigating the Reasons for the Occurrence and Continuity of the Riddle of Security in Iraq After Saddam, *Journal of Political Research in the Islamic World*, Vol. 6, No. 1, pp. 83-111.
62. Sadeghi Avval, Hadi and Hosseini Asl, Yahya, 2019, The Political Sociology of ISIS's Controversial Thinking in Iraq, *Journal of History, Politics and Media*, Vol. 2, No. 1, pp. 85-108.
63. Sadeghi, Sayed Shamsuddin and Lotfi, Kamran, 2014, Analysis of the Islamic Republic of Iran's Attitudes toward the Syrian Crisis, *Journal of Contemporary Political Queries*, Vol. 6, No.1, pp. 73-94.
64. Sanai, Ardeshir and a Kavianpour, Mon 2016, The rise of ISIS and its impact on the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, *Quarterly of International Relations Studies*, 9(34), 145-168.
65. Seifi, Abdolmajid and PurHassan, Naser, 2017, Isis and the emergence of a threat balance in Iran and Iraq relation, *Journal Review of international relations*, Vol. 11, No. 41, pp. 37-63.
66. Sohrabi, Mohammad, 2017, The American military invasion of Iraq and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran, *Journal Review of International Relations*, Vol. 10, No. 38, pp. 27-55.
67. Shirudi, Morteza, 2016, Strategic model (swot) in the analysis of the crisis of Isis's political behavior, the Islamic Republic of Iran and the exit ways, *Journal Research of Islamic politics*, Vol. 3, No. 8, pp. 81-106.
68. Shojaeian, Fazel; Shafiee, Esmail and Shafiee, Nozar, 2018, The Regional Role of the Islamic Republic of Iran in West Asia (Opportunities and Threats), *Journal of Political and International Research*, Vol. 8, No. 33, pp. 297- 327.
69. Zarean, Ahmad, 2014, The typology of social gaps in Syria, *Journal Review of Strategic Studies of the Islamic World*, Vol. 14, No. 56, pp. 5- 46.
70. Zolfaghari, Mehdi and Omrani, Abuzar, 2018, The influence of Isis's rise on the national security of the Islamic Republic of Iran, *Journal Review of Political Studies of the Islamic World*, Vol. 7, No. 2, pp. 169- 195.
71. Atwan, Abdel Bari, 2014, Will the US-Iran-Saudi Alliance Defeat ISIS? If so, to what Effect?, **Retrieved** 2017/9/3, Retrieved from:<https://www.middleeastmonitor.com/articles/middle-east/13622-will-the-us-iran-saudi-alliance-defeat-isis-if-so-to-what-effect>.
72. Basiri, Mohammad Ali; Agha Mohammadi, Zahra and Fallahi, Ehsan, 2016, The bases for the formation and continuation of terrorism in the Middle East ISIL case study in Iraq and Syria, *Islamic World Political Studies Quarterly*, Vol. 4, No. 19, pp. 32-54.
73. Blaydes, Lisa, 2010, *Elections and Distributive Politics in Mubarak's Egypt*, Cambridge University Press, pp. 1- 290.
74. Bourgi, Sam, 2016, Syria news: Economic impact of the Syrian war, **Economic**
75. **Calendar**, Available at: <http://www.economiccalendar.com/2016/04/23/syria-news-economic-impact-of-the-syrian-civil-war/>
76. Chossudovsky, Michel, 2017, The Engineered Destruction and Political Fragmentation of Iraq, Available at: <https://www.globalresearch.ca/the-destruction-and-political-fragmentation-of-iraq-towards-the-creation-of-a-us-sponsored-islamist-caliphate/5386998>.
77. Cirliq, Carmen-Cristina, 2015, *The international coalition to counter ISIL/Da'esh (the 'Islamic State)*, European Parliamentary Research Service.
78. Cloud, David S. and Shanker, Thom, 2007, Gaps in Training Iraqi Forces Worry Top U.S Commanders, *New York Times*, 14, July.
79. Coppi, Giulio, 2018, *The Humanitarian Crisis in Yemen: Beyond the Man-Made Disaster*, International Peace Institute, PP. 1-40.

80. Cronin, Audrey Kurth, 2015, ISIS Is Not a Terrorist Group, *Foreign Affair*, March and April, Retrieved 2017/12/18, available at: <https://www.Foreignaffairs.com/articles/middle-east/2015-02-16/isis-not-terrorist-group>.
81. El-Khalil, Zeina, 2017, The Toll of War: The Economic and Social Consequences of the Conflict in Syria, Retrieved 2018/1/14, available at: <https://reliefweb.int/report/syrian-arab-republic/toll-war-economic-and-social-consequences-conflict-syria>.
82. Freeman, Colin, 2014, Meet Abu Bakr al-Baghdadi, al-Qaeda's new poster boy for the Middle East. *DNA*, January 13, Available at: <http://www.dnaindia.com/world/report-meet-abu-bakr-al-baghdadi-al-qaeda-s-new-posterboy-for-the-middle-east-1949849>.
83. Guidero, Amanda and Hallward, Maia Carter, 2018, Global Responses to Conflict and Crisis in Syria and Yemen, New York, Palgrave Pivot, pp. 1- 118 Hawrami, Hemin, 2015, The Iraqi Kurdistan Regions Role in Defeating Isll, *Turkish policy Quarterly*, Vol. 14, No. 1.
84. Henry Layard, Austen, 2014, Global jihadist or al-Qaeda wannabes: Who are the Islamic State of Iraq and the Levant? *NBC News*, January, 11, Available at: http://worldnews.nbcnews.com/_news/2014/01/11/22243203-global-ji-hadis-or-al-qaedawannabes-who-are-the-islamic-state-of-iraq-abd-thele-want?lite
85. Iraqi Army Retakes Government Complex in Central Ramadi, Dec 28, 2015, *The New York Times*, Retrieved 2017/11/18, Available Online, at: <https://www.nytimes.com/interactive/2014/06/12/world/middleeast/the-iraq-isis-conflict-in-maps-photos-and-video.html>.
86. IRGC Missile and Drone Attacks on ISIS Terrorists in Hajin in Syria, *Islamic World News*, October 1, 2018, Available at: <http://www.english.iswnews.com/3250/irgc-missile-and-drone-attacks-on-isis-terrorists-in-hajin-in-syria-pictures/>
87. Kalin, Stephen, 2017, Basic infrastructure repair in Mosul will cost over \$1 billion: U.N. **Iraq oil report**, July 5, 2017, Retrieved 2018/1/18, Available at: <https://www.iraqoilreport.com/daily-brief/basic-infrastructure-repair-mosul-will-cost-1-billion-u-n-23914/>
88. Kamali Dehghan, Saeed, 2014, Qassem Suleimani photo makeover reveals Iran's new publicity strategy, Retrieved 2017/11/13, from: <http://www.theguardian.com/world/2014/oct/14/suleimani-high-profile-topublicise-irans-key-anti-isis-role>.
89. Katzman, Kenneth, 2019, Iran's Foreign and Defense Policies, *Congressional Research Service*, <https://crsreports.congress.gov/R44017>.
90. Kaure, Raman Preet, 2016, *A Close up on ISIS*, University of California, Retrieved 2018/2/9, Available At : www.socsci.uci.edu/globalconnect.
91. Kirshner, Jonathan, 2010, The tragedy of offensive realism: classical realism and the rise of china, **European journal of international relations**.
92. Kydd, Andrew, 1997, Sheep in sheep s clothing: why security seekers do not fight each other, *security studies*, Vol. 7, No. 5, pp. 34-53.
93. Leonard, John-Paul; Blog, Washington's and Madsen, Wayne, 2016, *ISIS IS US: The Shocking Truth: Behind the Army of Terror*, Progressive Press, 2 edition, pp. 1- 268.
94. Pal, Amitabh, 2014, ISIS's Brand of Islam Similar to U.S. Ally's, *The Progressive*, Retrieved 2018/2/7, Available at: <http://progressive.org/dispatches/isis-s-brand-islam-similar-u.s.-ally-s/>
95. Rashid, Ahmed, 2014, ISIS: What the US Doesn't Understand, **The New York Review of Books**, Retrieved 2018/3/12, Retrieved from, <http://www.nybooks.com/blogs/nyrblog/2014/dec/02/isiswhat>.
96. Robinson, Eric; Egel, Daniel; Patrick B. Johnston, Sean Mann, Alexander D. Rothenberg and Stebbins, David, 2017, *When the Islamic State Comes to Town: The Economic Impact of Islamic State Governance in Iraq and Syria*, RAND Corporation.
97. Rose, Gideon, 1998, Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy, *World Politics*, Vol. 51, No. 1, pp. 35-53.
98. Sengupta, Somini, 2017, Help Assad or Leave Cities in Ruins? The Politics of Rebuilding Syria, *The New York Times*, Retrieved 2018/3/10, Available at: <https://www.nytimes.com/2017/12/03/world/middleeast/syria-war-rebuilding-homs.html>.
99. Simons, Anna and Tucker, David, 2007, The Misleading Problem of Failed States: a 'socio-geography' of terrorism in the post-9/11 era, *Third World Quarterly*, Vol. 28, No. 2, pp. 23-51.

100. Taliaferro, Jeffrey W., 2001, Security Seeking under Anarchy: Defensive Realism Revisited, *International Security*, Vol. 25. No. 3, pp. 33-56.
101. Thornberry, Mac, 2017, *National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2018*, U.S. Government Publishing Office, PP. 1-1333.

